

بسم الله الرحمن الرحيم

وعدۀ ما برای روشن کردن چراغ‌هایی نذر چهل سالگی انقلاب، هرچند اندکی دیر و زود شود، اما ان شاء الله، سوخت و سوز نخواهد شد.

ما دو چراغ قبلی (چراغ بیست و دوم با عنوان «و اما نظرسنجی» و چراغ بیست و سوم با عنوان «رفراندومی دیگر؟») را روی نظرسنجی‌های معتبری انداختیم که در طول دوران پس از انقلاب صورت گرفته است.

همان‌طور که قبلاً نیز گفتم، به گمان بنده، مهم‌ترین ویژگی این نظرسنجی‌ها، در این بود که هر دو آنها توسط کسانی صورت گرفته بود که ضمن داشتن اعتبار آکادمیک، همواره بر طبل بحرانی بودن مقبولیت و مشروعیت سیاسی نظام جمهوری اسلامی کوبیده‌اند. بنابراین، کسی نمی‌تواند صحت و اعتبار این نظرسنجی‌ها را زیر سؤال ببرد یا آنها را با بعضی نظرسنجی‌های سفارشی که - مثلاً - در زمان رژیم پهلوی منتشر شده بود، مقایسه کند. ما هم اصرار زیادی نداشته و نداریم که برای اثبات مشروعیت سیاسی این حکومت، به نظرسنجی‌ها استناد کنیم. همان‌طور که بارها گفته‌ایم - و در طول روشن کردن این چراغ‌ها، با دلایل متعدد به اثبات رسانده‌ایم - بحث مشروعیت سیاسی اساساً بحثی است که پایه‌های آن در درون یک ایدئولوژی استوار می‌شود. یعنی بدون داشتن یک جهان‌بینی، بدون داشتن یک انسان‌شناسی بر خاسته از آن جهان‌بینی، و بدون داشتن تعریفی از سعادت و خوشبختی بشر، و راه نیل به آن، هرگونه بحث و گفتگویی درباره مشروعیت سیاسی یک حکومت - هر حکومتی که باشد - بحثی است بی‌فایده و بی‌سرانجام.

بنابراین، اگر کسی به دنبال یک گفتگوی منطقی در باب مشروعیت سیاسی یک حکومت است، قبل از ورود به این بحث باید تکلیف خود را با مسائلی از جنس جهان‌بینی، تعریف سعادت بشر، و راه رسیدن به آن، روشن کرده باشد. این‌که ما به مبدا هستی اعتقاد داشته باشیم یا نداشته باشیم، این‌که به قیامت و معاد اعتقاد داشته باشیم یا نداشته باشیم، این‌که به پیام‌آورانی از جانب خدا اعتقاد داشته باشیم یا نداشته باشیم، و از همه مهم‌تر، این‌که دین را دستورات خداوند رب‌العالمین برای همه شئون زندگی بشر - اعم از فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی

- بدانیم یا ندانیم، و باقی مسائلی از این دست، در تعریف ما از مشروعیت سیاسی، و ملاک ما برای سنجش مشروعیت سیاسی یک حکومت، نقش اساسی دارد.

مغالطه رایج روزگار ما اینست که لیبرال‌ها و سکولارها از ما می‌خواهند با صرف نظر کردن از این پرسش که «آیا خدا و پیغمبر و قیامتی، وجود دارد یا نه؟»، وارد گفتگو پیرامون مشروعیت سیاسی شویم. خوب، ما ثابت کردیم این‌کار، منطقا، غیرممکن و تناقض‌آمیز است. به‌همین دلیل، خود لیبرال‌ها و سکولارها هم، وقتی درباره مشروعیت سیاسی حرف می‌زنند، این‌طور نیست که پرسش‌هایی مثل پرسش از خدا و پیغمبر و معاد را واقعا کنار بگذارند. نه! واقعیت اینست که آنها در عمل - و گاهی ناخودآگاه - بی‌اعتقادی به خدا و پیغمبر و معاد را، پیش‌فرض گفتگوهایشان پیرامون مشروعیت سیاسی قرار می‌دهند. بعد اسم آنرا می‌گذارند ایدئولوژیک نگاه نکردن به مسئله مشروعیت سیاسی. حال آن‌که این ایدئولوژیک نگاه نکردن نیست. این مفروض گرفتن ایدئولوژی خاصی است که با اعتقادات ما تضاد دارد.

درست به‌خاطر همین ایدئولوژی پنهان - و حالا دیگر به‌نظرم، نه چندان پنهان - است که طرفداران لیبرالیسم و سکولاریزم، در بسیاری از مواقع، چنانچه یک حکومتی، از مقبولیت که سهل است، حتی اگر از پشتیبانی قاطعانه مردمش برخوردار باشد، آنرا دارای مشروعیت سیاسی نمی‌دانند. چرا؟ چون به‌زعم آنها، آن حکومت ایدئولوژیک است. حال آن‌که ما ثابت کردیم هر حکومتی، حتی حکومت‌های لیبرال و سکولار - و حالا می‌گوییم: مخصوصا حکومت‌های لیبرال و سکولار - نیز دقیقا به‌همان معنایی که خودشان می‌گویند، ایدئولوژیک هستند.

با این وجود، ما گفتیم، بیاییم و سوای از بحث مشروعیت سیاسی، مقبولیت حکومت جمهوری/اسلامی را در نزد مردم ایران، با مقبولیت دیگر حکومت‌های جهان در نزد مردم خودشان، مقایسه کنیم. به‌همین منظور، آمدیم مطابق الگویی که خود لیبرال‌ها و سکولارها ارائه می‌کنند، این مقبولیت را در «دوره تأسیس» و نیز در «دوره استقرار» مورد بررسی قرار داده و با حکومت‌های دیگر مقایسه کردیم.

دیدیم که مقبولیت جمهوری/اسلامی نزد مردم ایران، در دوره تأسیس، به‌قدری زیاد بوده که شاید با هیچ حکومت شناخته شده‌ای، در سرتاسر تاریخ، اصلا قابل قیاس نباشد. در دوره استقرار هم، که معمولا به آمار مشارکت مردم در انتخابات استناد می‌کنند، وضع

جمهوری اسلامی، من حیث المجموع، از بسیاری از مدعیان لیبرال دموکراسی بدتر نیست؛ که بهتر است. حتی آمار مشارکت ۴۳ درصدی در آخرین انتخابات مجلس شورای اسلامی در اسفند ۱۳۹۸ - با وجود ظهور ناگهانی بیماری کرونا و حجم حیرت انگیز تبلیغاتی که به این بهانه برای پایین آوردن مشارکت مردم در انتخابات، صورت گرفت - اگرچه یکی از پایین ترین آمار مشارکت در انتخابات، از بعد انقلاب اسلامی به حساب می آید، اما باز هم در مقایسه با خیلی از کشورهای مدعی لیبرال دموکراسی، آمار چندان بدی نیست.

آیا می دانید مشارکت مردم در آخرین انتخابات کنگره آمریکا (مجلس نمایندگان و سنا) در سال ۲۰۱۸ چند درصد بوده است؟ ۴۹ درصد؛ که ضمناً یکی از بالاترین آمار مشارکت در انتخابات مجلس آمریکا است! جهت اطلاع، متوسط مشارکت مردم آمریکا در انتخابات کنگره، حدود ۴۰ درصد است.^۱

آیا می دانید آمار مشارکت مردم در آخرین انتخابات مجلس فرانسه در سال ۲۰۱۷ چند درصد بوده است؟ بنا به گزارش یورونیوز، این مشارکت ۴۳ درصد بوده است.^۲

یک وقت اشتباه نشود! من شک ندارم که باید درباره مشکلاتی که منجر به کاهش نسبی حضور مردم در انتخابات اخیر مجلس شده، تحلیل ها و بررسی های دقیق و جامعی به عمل آورد. بنابراین، نمی خواهم بگویم مشارکت ۴۳ درصدی مردم ما در انتخابات اخیر مجلس، آمار خوبی است. همچنین نمی خواهم بگویم تنها علت کاهش مشارکت در این انتخابات، کرونا بوده است. اما می خواهم بگویم: اگر بنا باشد مشارکت مردم در انتخابات را معیار مقبولیت بدانیم، باز هم جمهوری اسلامی در مقایسه با برخی از بزرگ ترین مدعیان لیبرال دموکراسی، وضعیت بدتری ندارد.

به کسانی هم که به خاطر آمار مشارکت در انتخابات اخیر مجلس، خیلی احساس دلخوشی می کنند و فکر می کنند این نشانه قاطعی از پایان مقبولیت این جمهوری دینی در نزد مردم ایران

^(۱) <https://www.eurica.ir/%D9%A6/DA%AF%D8%A7/D9%A7-%D8%A2/D9%A5/D8%A7/D8/B7/DB/8C-%>

[D8/AC-%](https://www.eurica.ir/%D9%A6/DA%AF%D8%A7/D9%A7-%D8%A2/D9%A5/D8%A7/D8/B7/DB/8C-%D8/AC-%)

[D8/AC-%D8/AA%D8/A7/DB/8C%D8/AC-](https://www.eurica.ir/%D9%A6/DA%AF%D8%A7/D9%A7-%D8%A2/D9%A5/D8%A7/D8/B7/DB/8C-%D8/AC-%)

[D8/AA-%D8/AE%D8/A7/D8/AA/D8/A7/D8/AA-](https://www.eurica.ir/%D9%A6/DA%AF%D8%A7/D9%A7-%D8%A2/D9%A5/D8%A7/D8/B7/DB/8C-%D8/AC-%)

[D8/AA-%D8/AE%D8/A7/D8/AA/D8/A7/D8/AA-%D8/AA-%D8/AE%D8/A7/D8/AA/D8/A7/D8/AA-](https://www.eurica.ir/%D9%A6/DA%AF%D8%A7/D9%A7-%D8%A2/D9%A5/D8%A7/D8/B7/DB/8C-%D8/AC-%)

^(۲) <https://per.euronews.com/2017/06/19/french-legislative-election-results>

است، توصیه می‌کنم که تاریخ چهل و چند ساله این انقلاب را کمی دقیق‌تر مطالعه کنند و البته پایه ریاضی و درک آماری خود را نیز در صورت امکان، اندکی تقویت نمایند. در این صورت، تصدیق خواهند کرد که **آمار مشارکت اخیر در انتخابات مجلس، به واقع هیچ چیز خاصی را ثابت نمی‌کند.**

یک نگاه به منحنی آمار مشارکت مردم در انتخابات چهل و چند سال بعد از انقلاب، نشان می‌دهد^۳ که این مشارکت، از همان سال اول تا به امروز، همواره و به شکلی خیلی جدی، بالا و پایین داشته است. طوری که برای بسیاری از نظریه‌پردازانی که در خصوص دلایل کاهش مشارکت مردم در انتخابات، توسط جناح‌های سیاسی - و در جهت امیال آنها - صورت می‌گیرد، می‌توان مثال نقض پیدا کرد.

مثلاً شاید برای شما جالب باشد که در **فراندموم ۱۲ فروردین ۱۳۵۸** که مردم ایران به نظام جمهوری اسلامی آری گفتند، بیش از **۹۸ درصد** مردم در انتخابات شرکت کرده و بیش از **۹۹ درصد** شرکت‌کنندگان به جمهوری اسلامی رأی دادند.^۴ اما فقط **۴ ماه بعد** - یعنی در مرداد **۱۳۵۸** - تنها اندکی بیش از **۵۱ درصد** از واجدین شرایط در انتخابات **خبرگان قانون اساسی** شرکت کردند.

یادآوری می‌کنم که در این انتخابات، همه گرایش‌های سیاسی - تأکید می‌کنم: همه گرایش‌های سیاسی - حضور داشتند و کاندیدا معرفی کردند.

نیروهای انقلاب، شامل ائتلافی از حزب جمهوری اسلامی (به رهبری شهید بهشتی)، جامعه روحانیت مبارز (به رهبری مرحوم

^۳ https://fa.wikipedia.org/wiki/%D%A7%D9%A6%D8%AA%D8%AE%D8%A7%D8%A8%D8%A7%D8%AA_%D8%AF%D8%B1_%D8%A7%DB%8C%D8%B7%D8%A7%D9%A6

^۴ https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%A7%D9%A5%D9%A7%E2%80%8C%D9%BE%D8%B7%D8%B3%DB%8C_%D9%A6%D8%B7%D8%A7%D9%A5_%D8%AC%D9%A5%D9%A7%D9%A8%D8%B7%DB%8C_%D8%A7%D8%B3%D9%A4%D8%A7%D9%A5%DB%8C_%D8%AF%D8%B1_%D8%A7%DB%8C%D8%B7%D8%A7%D9%A6

آیت‌الله مهدوی کنی)، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (به رهبری مرحوم آیت‌الله منتظری)، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی (به رهبری بهزاد نبوی) و جمعیت مؤتلفه اسلامی (به رهبری مرحوم حبیب‌الله عسگراولادی) و برخی گروه‌های دیگر، در این انتخابات شرکت کردند.

نیروهایی که بعدها همسو با نهضت آزادی و گروه‌های به اصطلاح ملی‌مذهبی شدند، شامل ائتلافی از سازمان مجاهدین خلق (به رهبری مسعود رجوی)، جنبش مسلمانان مبارز (به رهبری حبیب‌الله پیمان)، جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (به رهبری مرحوم کاظم سامی) و برخی دیگر از گروه‌ها، در این انتخابات حاضر شدند. کسانی همچون مسعود رجوی، ناصر کاتوزیان، و عبدالکریم لاهیجی از جمله کاندیداهای اختصاصی و شاخص این ائتلاف بودند.

حتی حزب توده (به رهبری نورالدین کیانوری) و گروه‌های همسو با آن که رسماً مارکسیست و کمونیست بودند نیز در این انتخابات شرکت کردند. کسانی همچون حسن نزیه، لطف‌الله میثمی و مرحومه پروانه فروهر در لیست کاندیداهای این جریان حضور داشتند. نتیجه این انتخابات، که خودش وزن سیاسی جریان‌های گوناگون را نشان می‌داد، البته پیروزی بسیار قاطع نیروهای انقلاب و معتقدان به رهبری امام خمینی - رحمه‌الله تبارک و تعالی علیه - بود.

اما بحث اصلی من فعلاً بر سر این موضوعات نیست. می‌خواهم بگویم: چنین انتخاباتی تا این حد رقابتی، با حضور همه جریان‌ها، و بدون وجود کم‌ترین نظارت استصوابی، آن‌هم فقط ۶ ماه پس از پیروزی انقلاب، تنها توانست مشارکت ۵۱ درصد از مردم را فراهم کند.

حتماً می‌توانید حدس بزنید که در آن زمان، در محافل و مطبوعات که سر مخالفت با جمهوری اسلامی را داشتند، چه تحلیل‌هایی در این باره صورت گرفت و چگونه این میزان از مشارکت را نشانه پشیمانی مردم از جمهوری اسلامی و حتی انقلاب دانستند. اما چه شد؟ دوباره

۴ ماه بعد از آن - یعنی در آذر ۱۳۵۸ - در رفراندوم تأیید قانون اساسی، شاهد یک مشارکت بالاتر از ۷۵ درصدی بودیم که بیش از ۹۹ درصد از شرکت‌کنندگان، موافقت خود را با قانون اساسی جمهوری اسلامی اعلام کردند.

یک مثال دیگر بزینم. این روزها عده‌ای از افراد، دربارهٔ انتخابات مجلس اول که اسفند ۱۳۵۸ برگزار شد، خیلی حرف‌ها می‌زنند و حسرت آن مجلسی را می‌خورند که از حزب جمهوری اسلامی گرفته تا نهضت آزادی، در آن نمایندگانی داشتند. انتخاباتی که در آن از نظارت استصوابی خبری نبود (چون برطبق قانون اساسی، هنوز شورای نگهبان به وجود نیامده بود) و حتی مسعود رجوی - سرکردهٔ گروهک مجاهدین خلق (منافقین) - از تهران به دور دوم انتخابات راه پیدا کرد؛ که البته رأی نیاورد.

خوب؛ فکر می‌کنید آمار مشارکت در آن انتخابات - که به‌زعم بعضی‌ها، ایده‌آل‌ترین انتخابات تاریخ جمهوری اسلامی است - چقدر بوده؟ فقط ۵۲ درصد. بله! انتخاباتی در سال ۱۳۵۸، بدون نظارت استصوابی و با حضور همهٔ گرایش‌های سیاسی، تنها مشارکت ۵۲ درصد از واجدان شرایط را کسب می‌کند.

اما درست بعد از این انتخابات، در دومین انتخابات ریاست جمهوری - مرداد ۱۳۶۰ - بیش از ۶۴ درصد از واجدین شرایط در انتخابات شرکت کرده و شهید رجایی را به‌عنوان رئیس‌جمهور برگزیدند. بعد از شهادت او نیز در مهر سال ۱۳۶۰ باز بیش از ۷۴ درصد از واجدین شرایط در انتخابات ریاست جمهوری حاضر شده و بیش از ۹۵ درصد آنها به آقای خامنه‌ای عزیز - حفظه‌الله - رأی دادند.

به دههٔ ۷۰ برویم تا کسی گمان نکند این بالا و پایین شدن‌های آمار مشارکت مردم در انتخابات، صرفاً به‌خاطر شرایط خاص بعد از انقلاب، و اصطلاحاً اوضاع دههٔ ۶۰ بوده است. فروردین ۱۳۷۱ شاهد برگزاری انتخابات مجلس چهارم بودیم که در آن آقای ناطق‌نوری به ریاست مجلس رسید. در این انتخابات، بیش از ۵۷ درصد مردم مشارکت داشتند. اما حدود یک سال بعد، در خرداد ۱۳۷۲، ششمین انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد که مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در آن به‌پیروزی رسید. آیا می‌دانید در آن انتخابات، چند درصد از واجدین شرایط شرکت کردند؟ فقط حدود ۵۰ درصد.

با این وجود، وقتی در اسفند ۱۳۷۴ انتخابات مجلس پنجم برگزار شد که باز هم در آن آقای ناطق‌نوری به ریاست رسید، بیش از ۷۱ درصد مردم در انتخابات حاضر شدند.

لازم است به کسانی که نظارت استصوابی را مهم‌ترین عامل کاهش مشارکت می‌دانند، یادآوری کنم که در این انتخابات، مجمع روحانیون مبارز - به ریاست مهدی کروبی - که یکی از مهم‌ترین جناح‌های سیاسی کشور محسوب می‌شد، به‌عنوان اعتراض به نظارت استصوابی و رد صلاحیت گسترده کاندیداهایش، لیست انتخاباتی ارائه نداد. اما با این وجود، دیدیم که ۷۱ درصد واجدان شرایط در انتخابات شرکت کردند.^۵

این روند در انتخابات ریاست جمهوری هفتم در خرداد ۱۳۷۶ ادامه پیدا کرد و آمار مشارکت در آن انتخابات که برنده‌اش محمد خاتمی بود، به بیش از ۷۹ درصد رسید. اما بعد از آن، باز شاهد بودیم که در انتخابات مجلس هفتم در اسفند ۱۳۸۲ - که آقای حدادعادل به ریاست آن رسید - آمار مشارکت مردم تا حدود ۵۱ درصد پایین آمد.

این همان انتخاباتی است که به‌گمان خیلی‌ها شرایطی داشت شبیه انتخابات اخیر مجلس یازدهم در اسفند ۱۳۹۸. یعنی عده‌ای از سیاسیونی که خودشان را اصلاح‌طلب می‌نامیدند عملاً آنرا تحریم کردند و عده‌ای از آنها که پا به عرصه رقابت‌های انتخاباتی گذاشتند - نظیر مهدی کروبی، رئیس مجلس ششم - نتوانستند رأی مردم را به‌دست آورند.

^۵ این بالاترین آمار مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی، در تمام دوره‌هاست. حتی مجلس ششم هم که درست پس از حماسه دوم خرداد تشکیل شد، به‌چنین حد نصابی دست نیافت. آمار مشارکت در انتخابات مجلس ششم ۶۷ درصد بود. با این وجود، لیبرال‌ها و سکولارها، ترجیح می‌دادند - و هنوز هم می‌دهند - که در رسانه‌های خود، مجلس پنجم را مجلس فرمایشی بخوانند. دلیلش را در مقاله‌ای باعنوان «خیانت به فرهنگ جمهوریت» توضیح داده‌ام که می‌توانید آنرا در سایت حلقه مطالعات فلسفه و اندیشه اسلامی ببینید:

به هر حال، تحلیل آن شرایط - و نیز شرایط فعلی - موضوع بحث من نیست. فقط می‌خواهم یادآوری کنم که مدتی بعد از آن آمار نسبتاً پایین مشارکت، در خرداد ۱۳۸۴ شاهد مشارکت بیش از ۶۲ درصدی مردم در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری بودیم که در آن محمود احمدی‌نژاد، در دور دوم، مرحوم هاشمی‌رفسنجانی را شکست داد و رئیس‌جمهور شد. بعد از آن هم، حدود ۱ سال و نیم بعد - یعنی در آذر ۱۳۸۵ - شاهد مشارکت ۶۱ درصدی مردم در چهارمین انتخابات خبرگان رهبری (که مرحوم آیت‌الله مشکینی رئیس آن شد) و مشارکت ۶۴ درصدی در سومین انتخابات شوراهای شهر بودیم که در تهران منجر به انتخاب آقای قالیباف به عنوان شهردار شد.

با این وجود، فقط بعد از حدود ۱ سال و ۳ ماه - در اسفند ۱۳۸۶ - باز آمار مشارکت در انتخابات مجلس هشتم که در آن آقای لاریجانی به ریاست رسید، تا حدود ۵۵ درصد کاهش پیدا کرد. تا این که در خرداد ۱۳۸۸ رکورد مشارکت بیش از ۸۵ درصد از مردم در آخرین انتخابات دهه ۸۰ به ثبت رسید که نتیجه‌اش انتخاب مجدد محمود احمدی‌نژاد به ریاست جمهوری بود. آمار انتخابات دهه ۹۰ هم که قاعدتا از خاطره‌ها نرفته و نیازی به یادآوری ندارد.

به کسانی که نظارت استصوابی را یکی از عوامل اصلی کاهش مشارکت مردم در انتخابات می‌دانند، بد نیست انتخابات دومین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا را نیز یادآوری کنیم. با آن که در نخستین دوره انتخابات شوراهای شهر در اسفند ۱۳۷۷ بیش از ۶۴ درصد از مردم در انتخابات شرکت کرده بودند، دومین دوره انتخابات این شوراها که در اسفند ۱۳۸۱ توسط دولت اصلاحات و با نظارت مجلس اصلاحات (مجلس ششم) صورت گرفت، و تقریباً در آن هیچ اثری از نظارت بر صلاحیت داوطلبان وجود نداشت، حتی نتوانست مشارکت نیمی از مردم را جلب کند و آمار مشارکت در این انتخابات به زیر ۵۰ درصد رسید.

این همان انتخاباتی است که در آن اصلاح‌طلبان و هم‌پیمانان ملی‌مذهبی آنها، در و دیوار پایتخت را پر کرده بودند از تبلیغ برای شهردار شدن محسن سازگارا؛ مرید عبدالکریم سروش و کسی که بعدها در فتنه ۸۸ به مجری - و در واقع دلقک - شبکه ماهواره‌ای صدای

آمریکا^۶ تبدیل شد. اما در نقدان نظارت استصوابی، و با وجود چنین

تلیفات و رقابت‌های گسترده‌ای، نه تنها مشارکت بالایی به دست نیامد

که شکست هم خوردند و محمود احمدی‌نژاد شهردار تهران شد،

علی‌برکةالله!!!

خب، من از این نگاه تاریخی به آمار مشارکت مردم در انتخاباتی که بعد از پیروزی انقلاب داشته‌ایم، چه نتیجه‌ای می‌خواهم بگیرم؟ در واقع، هیچ نتیجه‌ای! چون همان‌طور که گفتم، من فعلاً نمی‌خواهم در این‌باره بحث کنم که در دوره‌های مختلف، کاهش و افزایش مشارکت مردم در انتخابات، چه دلایلی داشته است.^۷ فقط می‌خواهم بگویم **انتخابات در همواره چنین کاهش‌ها، و بعد به‌دنبالش، چنان افزایش‌هایی را داشته است.**

من برای رفع هرگونه سوء تفاهمی، اجازه می‌خواهم تا این مطلب را با کمک چند نمودار ساده نیز برای شما توضیح دهم.^۸ نمودار اول، نشانگر درصد مشارکت مردم در تمامی انتخاباتیست که طی دوران پس از انقلاب صورت گرفته است. در این نمودار، **همه‌پرسی‌های سراسری (رفراندوم‌ها) با رنگ قرمز** مشخص شده‌اند؛ **انتخابات مجلس، با رنگ آبی**، **انتخابات ریاست جمهوری با رنگ سبز**، **انتخابات مجلس خبرگان با رنگ بنفش** و **انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا با رنگ زرد.**

۶ V.O.A

۷ این بحث هرچند بسیار مفید است و لازم، اما مجالش بیش از گنجایش این نوشته، و سواد بی‌ش از ظرفیت کسی همچون بنده را می‌طلبد. اما راستش، به‌عنوان یک خواننده علاقه‌مند، که شاید تقریباً همه تحلیل‌هایی را که در این زمینه به‌دستش رسیده، خوانده باشد، باید بگویم که تا این لحظه، کسی را هم ندیده‌ام که تحلیل جامع و دلچسبی در این مقوله ارائه داده باشد. اغلب تحلیل‌هایی که من در این زمینه دیده‌ام، بیش از آن‌که جنبه یک تحلیل جامع علمی را داشته باشند، در واقع، بیان آمال و آرزوهای گروه‌های مختلف سیاسی است که رنگ‌ولعاب یک تحلیل را به آن زده‌اند.

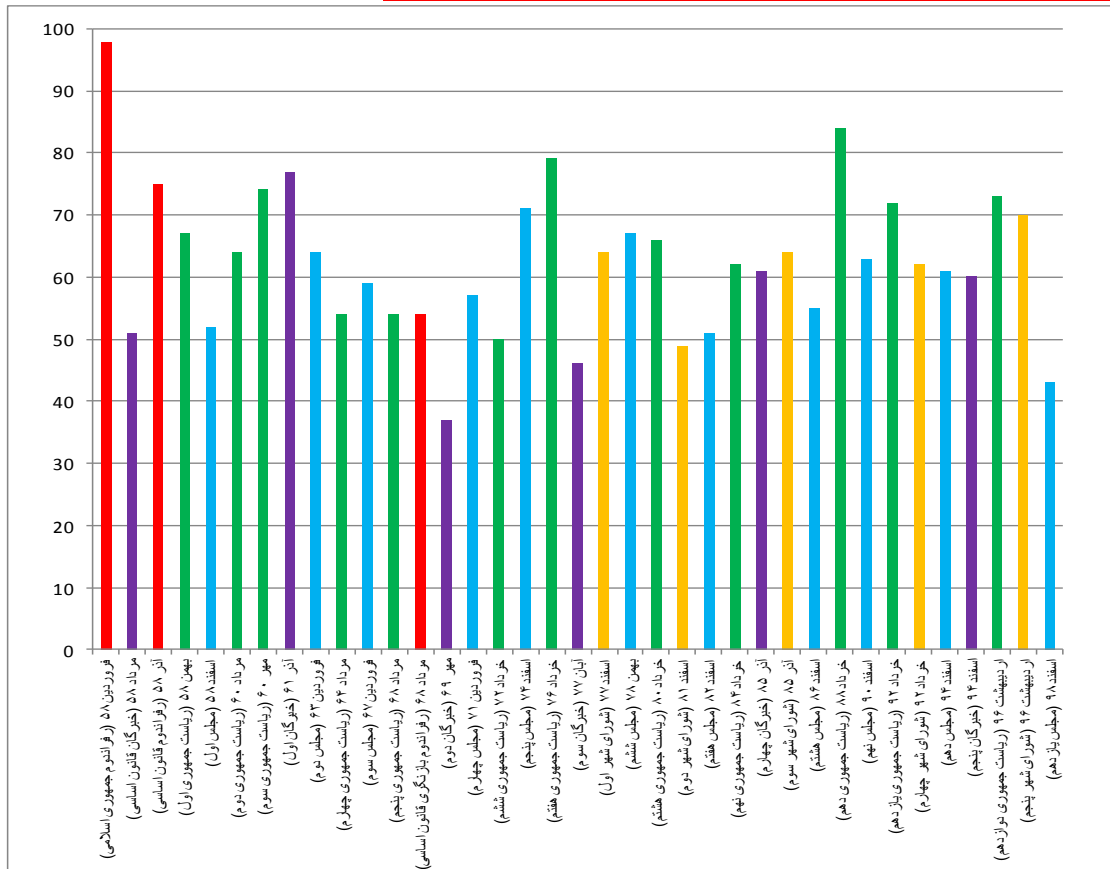
چنان‌که گفتم، حتی با اندکی تأمل در آمار چهل‌وچند ساله انتخابات، می‌توان برای همه تحلیل‌هایی از این جنس - مثل گفتن این‌که نظارت استصوابی عامل کاهش مشارکت است - **مثال‌های نقلی ممددی** ارائه کرد.

۸ از دختر عزیزم، مژده روحانی به‌خاطر کمک‌های مهربانانه‌اش در ترسیم مجموعه این نمودارها، صمیمانه تشکر می‌کنم. از خدا می‌خواهم که روزی در همین دنیا، پادشاه تلاش‌هایش را در راه این انقلاب و این جمهوری دینی، از دستان شهید عزیزمان، حاج‌قاسم سلیمانی بگیرد. چون باور دارم که آن شهید قهرمان، به این دنیا «رجعت» خواهد نمود، تا در کنار «سید خراسانی» و «آن بزرگمرد یمانی»، امام زنده ما را یاری دهد. باشد که در آن روز - و نیز امروز - از حاج‌قاسم بخواد که برای من نیز دعا کند.

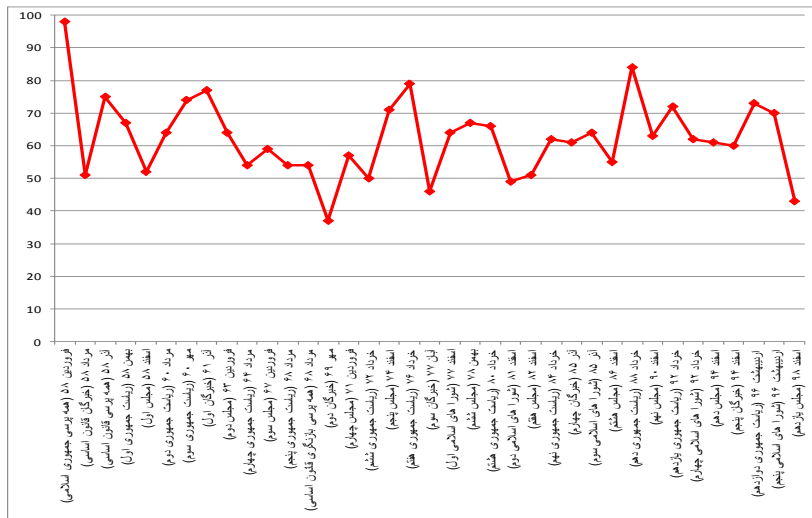
یک نگاه به این نمودار، نشان می‌دهد که درصد مشارکت مردم، در طول این چهل‌و‌اندی

سال - مرتبا و متناوبا - کاهش و افزایش پیدا کرده است. یعنی ما همواره شاهد آن بوده‌ایم که

پس از برخی کاهش‌ها، دوباره مشارکت مردم در انتخابات بالا رفته است:

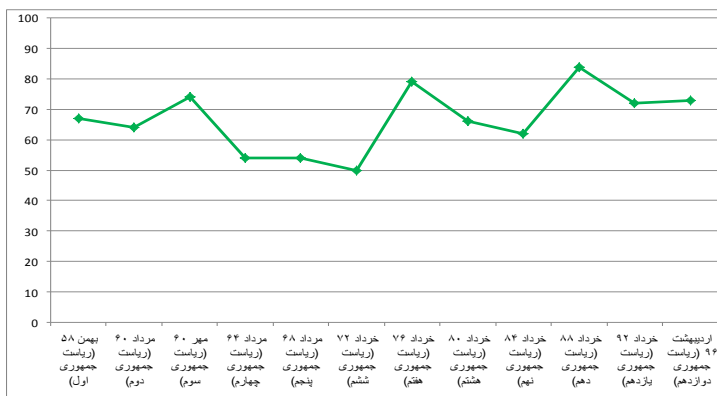


برای روشن تر شدن مطلب، اجازه دهید همین نمودار را در قالب یک منحنی خطی هم مشاهده کنیم. نمودار زیر نشانگر این منحنی خطی است.



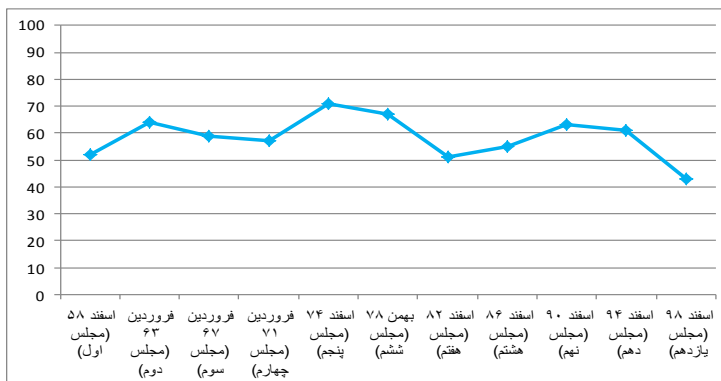
حالا دیگر بالا و پایین شدن درصد مشارکت مردم را در انتخابات، به راحتی می توان مشاهده کرد. این منحنی اگرچه یک منحنی سینوسی کامل نیست اما بدون هیچ تردیدی می توان آن را در کلاس منحنی های سینوسی دسته بندی کرد. یعنی درصد مشارکت مردم در انتخابات، به طور مرتب، پایین آمده، سپس بالا رفته، دوباره پایین آمده و باز بالا رفته است؛ و به همین ترتیب.

باز برای این که نگاه دقیق تری داشته باشیم، اجازه دهید همین منحنی را، اما فقط برای انتخابات ریاست جمهوری، مورد بررسی قرار دهیم.



باز هم به روشنی می توان دید که منحنی انتخابات ریاست جمهوری نیز، هر چند کم و بیش، اما باز حالت سینوسی دارد.

بالاخره، می رسیم به بررسی انتخابات مجلس و مشاهده منحنی مشارکت مردم در این انتخابات. این منحنی، در نمودار زیر پیداست.



لازم به گفتن نیست که سینوسی بودن این منحنی، حتی از منحنی قبلی نیز واضح تر است.

یعنی مشارکت مردم در انتخابات مجلس نیز - مرتبا و متناوبا - کم و زیاد شده است.

بنابراین، کسانی که از کاهش مشارکت در انتخابات اخیر مجلس خیلی تعجب کرده، یا خیلی به وجد آمده، و یا حتی خیلی ناراحت شده‌اند، و در نتیجه، تحلیل‌های آنچنانی ارائه می‌دهند، یا از تاریخ چیزی نمی‌دانند، یا از آمار و ریاضیات، و یا از هردو!^۹ شاید هم همه این چیزها را می‌دانند ولی ترجیح می‌دهند یا ما را گول بزنند، یا خودشان را، و یا هردو!

آنچه مسلم است، جمهوری اسلامی، در طول حیات چهل‌و‌اندی ساله‌اش، دست کم ۳۸ انتخابات سراسری (تقریباً سالی یک انتخابات بزرگ) برگزار کرده که متوسط مشارکت مردم در آنها ۶۳ درصد بوده است. چنین آماری برای مشارکت مردم در انتخابات، در سطح جهان، یک آمار درخشان است که بسیاری از مدعیان لیبرال دموکراسی حسرت آن را می‌خورند.

ضمناً بدون تعارف باید گفت که انتخابات در جمهوری اسلامی، همیشه انتخاباتی بوده رقابتی و کاندیداها واقعا برای کسب آراء مردم، خود را به آب و آتش زده‌اند. برخی رفتارهای غیراخلاقی، تبلیغات نادرست، مشاجرات، تهمت‌ها، افشاگری‌ها، مچ‌گیری‌ها، هزینه کردن‌ها، و حتی استفاده از پول‌های شبه‌ناک - و امثالهم - که متأسفانه در حین انتخابات از سوی برخی

^۹ مثل بعضی گروه‌های دانشجویی، که چندی پیش، در گفتگوی ویدیو کنفرانس با رهبری عزیز - **مفظه‌الله** - برخی سخنان را گفتند که در صداوسیما هم پخش شد.

من یقین دارم، در سطح منطقه که هیچ، حتی در اغلب کشورهای جهان، مطلقاً چنین امکانی وجود ندارد که دانشجویان با کسی که - خواهی نخواهی - یکی از بزرگ‌ترین رهبران مذهبی و سیاسی جهان است، این‌گونه آزاد به مناظره بنشینند. بله، در کشورهای غربی که ژست آزادیخواهی دارند، گاهی اتفاق می‌افتد که به بزرگان سیاسی خود حتی فحاشی و توهین کنند. اما در آنجا هم ندیده‌ام که گفتگوهایی تا این حد جدی و چالشی، میان دانشجویان و یک مرجع بزرگ دینی، صورت بگیرد.

کاندیداهای انتخابات، با تمام وجود سعی دارند آراء همین مردم را به دست بیاورند. هرچند شایسته نظام دینی ما نیست، اما به هر حال نشان می‌دهد که

از همه جالب‌تر، تلاش بی‌حد و حصر و گاه حیرت‌انگیز شبکه‌های ماهواره‌ای بیگانه برای تأثیر بر روی افکار عمومی مردم ایران در هنگام انتخابات است، که نشان می‌دهد آنها هم، هرچند به ظاهر سعی می‌کنند انتخابات ما را نمایشی و فرمایشی بخوانند، اما خودشان نیز می‌دانند که به هر حال رأی همین مردم است که سرنوشت هراتخاباتی را در کشور ما معلوم می‌کند.

این نکته را نیز فراموش نکنیم که انتخابات سراسری در ایران بعد از انقلاب، در حالی حتی برای یک‌بار هم تعطیل نشده - و حتی به تعویق نیفتاده - که این کشور درست بعد از پیروزی انقلابش، مظلومانه درگیر یکی از بزرگ‌ترین جنگ‌های تاریخ معاصر شد. بعد از آن هم، مظلومانه‌تر، با تحریم‌هایی مواجه شد که می‌گویند هوشمندانه‌ترین، فلج‌کننده‌ترین و گسترده‌ترین تحریم‌های اقتصادی در سرتاسر تاریخ بوده است.

من فکر می‌کنم، همین واقعیت که کشوری همچون ایران، به‌رغم درگیر شدن در یک جنگ عظیم تحمیلی و بعد نیز رودررو شدن با قلدترترین و زورگوترین کشورهای جهان، و تحمل بزرگ‌ترین و ظالمانه‌ترین تحریم‌های تاریخ، هنوز عزتمندانه و مقتدرانه بر سر پا ایستاده، نشان می‌دهد که نظامش حقیقتاً از پشتوانه‌ای مردمی - و البته مردمی با ایمان - برخوردار است؛ مخصوصاً اگر نگاه کنیم که چه تنوع جالبی در میان مردمش، از حیث قومیت، زبان، فرهنگ، سبک زندگی، و سلیقه سیاسی وجود دارد.

با توجه به همین واقعیت‌هاست که نظرسنجی‌های علمی و معتبر از «نگرش‌ها» و «ارزش‌های» مردم ایران، همیشه برای اهل فن، جذابیت خاصی داشته و دارد. بنابراین، اجازه دهید ما برای سومین و - ان‌شاء‌الله، آخرین بار - نگاهی به معتبرترین نظرسنجی‌هایی بیندازیم که از مردم ایران صورت گرفته است.

همان‌طور که قبلاً گفتیم، نظربازی‌های اینترنتی از مردم، که بیش‌تر به دنبال انعکاس آرزوهای کسانی است که این نظربازی‌ها را انجام می‌دهند، البته زیاد است اما اعتباری در نزد اهل فن ندارد. علمی‌ترین و معتبرترین نظرسنجی‌های سراسری در ایران، که مورد استناد ما واقع

شده‌اند، نظرسنجی‌هایست که تحت عنوان «پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان»، انجام گرفته است. ما در چراغ‌های بیست‌ودوم و بیست‌وسوم، اولین موج و آخرین موج (موج اول و سوم) این نظرسنجی‌ها را که در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۴ صورت گرفته، مورد بررسی قرار دادیم. دیدیم، اگرچه این نظرسنجی‌ها توسط آکادمیسین‌هایی طراحی و اجرا شده که اتفاقاً هیچ‌وقت نسبت به این نظام دینی روی خوشی نشان نداده‌اند، اما با این وجود، هردو موج این نظرسنجی، نشان از مقبولیت بسیار بالای نظام جمهوری اسلامی در نزد مردم ایران داشت.

بعد از موج سوم این نظرسنجی‌ها که در سال ۱۳۹۴ انجام شده، هنوز نظرسنجی جدیدی توسط نهادهای داخل کشور، در این سطح صورت نگرفته، اما برخی نهادهای معتبر بین‌المللی، به‌طور مرتب نظرسنجی‌هایی را در داخل ایران انجام داده و می‌دهند. مهم‌ترین و معتبرترین این نظرسنجی‌ها، پروژه‌ایست که توسط «مرکز مطالعات بین‌المللی و امنیتی دانشگاه مرینند آمریکا»^{۱۰} دنبال می‌شود و مؤسسه‌ای به‌نام *ایران‌پل*^{۱۱} واقع در تورنتو کانادا نقش بازوی اجرایی را در این

^{۱۰} سایت «مرکز مطالعات بین‌المللی و امنیتی دانشگاه مرینند آمریکا»، فعالیت‌های خود را به این شکل معرفی کرده است:

The Center for International and Security Studies at Maryland (CISSM) at the University of Maryland's School of Public Policy conducts research, education, and outreach about how powerful trends associated with globalization are affecting international security. It focuses on strategies to increase international cooperation, especially where powerful technologies—with both beneficial and dangerous uses—are becoming widely available to states and non-state actors. To learn more about CISSM, visit www.cissm.umd.edu.

یعنی، «مرکز مطالعات بین‌المللی و امنیتی مرینند» (CISSM) در دانشکده «سیاست‌گذاری عمومی» دانشگاه مرینند، تحقیق، آموزش، و اطلاع‌رسانی در مورد تاثیر جریان‌های قدرتمند جهانی‌سازی، بر امنیت بین‌المللی را دنبال می‌کند. این مرکز بر راهبردهای افزایش همکاری‌های بین‌المللی تمرکز دارد؛ به‌ویژه در جایی که فناوری‌های قدرتمند — با کاربردهای هم مفید و هم خطرناک — به‌طور گسترده در دسترس دولت‌ها و نقش‌آفرینان غیردولتی قرار می‌گیرند. برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد CISSM، به آدرس www.cissm.umd.edu مراجعه کنید.

^{۱۱} سایت مؤسسه *ایران‌پل*، فعالیت‌های خود را به این شکل معرفی کرده است:

IranPoll® is an independent full-service opinion research company headquartered in Toronto, Canada, focusing exclusively on Iran. A division of People Analytics, *IranPoll* conducts research on Iranian public opinion using various modes of data collection including telephone polling (including a monthly Omnibus), in-depth interviews, focus groups, and online panel (B2B and ۵۱k-member BC). *IranPoll* operates multiple polling call centers with ۱۰۶ calling stations and conducts over ۱۶۰,۰۰۰ interviews per year in Iran. Relying on scientific opinion research methods, *IranPoll* was able to provide a fully accurate prediction of the outcome of Iran's May ۲۰۱۷ presidential election, which was published by The Economist before the initial official results were declared. Complementing its extensive field capacity, *IranPoll's* databank is the single most comprehensive databank of Iranian opinion polls containing more than ۳,۰۰۰ questions on ۴۳۰ topics and subtopics from more than ۳۵۰ probability sample surveys conducted from ۲۰۰۶ to present. Through its

پروژه برعهده دارد.^{۱۲} چنان که سایت مؤسسه *ایران پل* ادعا می کند، آنها از سال ۲۰۰۶ میلادی (۱۳۸۵ شمسی) تا به امروز، به طور مرتب نظرسنجی هایی را مطابق با بالاترین استانداردهای علمی، در *ایران* انجام داده اند. *دانشگاه مرینند*، به طور خاص از سال ۲۰۱۳ میلادی (۱۳۹۲ شمسی) به دنبال نظرسنجی هایی بوده تا دیدگاه های مردم *ایران* را پیرامون موضوعات زیر رصد کند:

- برنامه هسته ای *ایران*

- تسلیحات اتمی

- تحریم ها

- مذاکرات هسته ای

- میزان اعتماد به کشورهای غربی

- رابطه با آمریکا

- محبوبیت دولت حسن روحانی

- موضوعات مربوط به عراق، سوریه، و دیگر کشورها.^{۱۳}

exclusive access to this databank, *IranPoll* provides its clients with evidence-based consultancy on issues relating to *Iran* and the *Iranian* people.

یعنی، *ایران پل (@IranPoll)* یک شرکت تحقیقاتی مستقل با سرویس های گسترده در نظرسنجی است که در شهر تورنتو کشور کانادا مستقر می باشد و پژوهش های آن منحصرآ متمرکز بر *ایران* است. به عنوان بخشی از مؤسسات مردم شناسی، این شرکت، تحقیق در مورد افکار عمومی *ایران* را با روش های نظرسنجی تلفنی، مصاحبه های عمیق، گروه های مرجع، و پنل آنلاین (B2B) و کانال های اطلاع رسانی با تعداد اعضای بالای ۵۱۰۰۰ نفر) انجام می دهد. *ایران پل* مراکز نظرسنجی تلفنی متعددی، از جمله ۱۰۶ مرکز نظرسنجی تلفنی دارد و سالانه بیش از ۱۶۰،۰۰۰ مصاحبه در *ایران* انجام می دهد. با تکیه بر روش های علمی تحقیق درباره افکار عمومی، *ایران پل* توانست پیش بینی کاملاً دقیقی از نتایج انتخابات ماه می ۲۰۱۷/ *ایران* (انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶) ارائه دهد که پیش از اعلام نتایج اولیه رسمی انتخابات، توسط نشریه *اکنومیسیت (The Economist)* منتشر شد. بانک داده *ایران پل* همراه با ظرفیت میدانی گسترده این شرکت، یگانه بانک اطلاعاتی کامل در نظرسنجی افکار عمومی *ایران* است که شامل بیش از ۳۰۰۰ سؤال، در ۴۳۰ موضوع و زیرموضوع، از بیش از ۳۵۰ نظرسنجی از سال ۲۰۰۶ تاکنون می باشد. با دسترسی انحصاری به این بانک داده، *ایران پل* مشاوره مبتنی بر شواهد، در مورد مسائل مربوط به *ایران* و مردم *ایران*، به موکلان خود ارائه می دهد.

^{۱۲} از برادر عزیزم، جناب آقای مهندس حسین فرجه پور، به خاطر کمک های صمیمانه اش در جمع آوری و ترجمه این نظرسنجی ها، و نیز برخی نکات تیزهوشانه ای که درباره محتوای این نظرسنجی ها در اختیار من نهاد، خالصانه تشکر می کنم.

^{۱۳} برای اطلاع بیشتر در این زمینه، می توانید به آدرس زیر مراجعه نمایید:

<https://cissm.umd.edu/research-impact/publications/iranian-attitudes-nuclear-negotiations>

طبیعیست اگر، این نظرسنجی‌ها به جامعیت نظرسنجی‌هایی که ما پیش‌تر تحت عنوان «پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» بررسی کردیم، نباشند؛ اما با این وجود، از لابه‌لای سؤالات همین نظرسنجی‌ها هم می‌توان به خیلی از نکات پی برد.

من از میان نظرسنجی‌های منتشر شده توسط مؤسسه ایران‌پل و دانشگاه مرینند، سه نظرسنجی را برای شما انتخاب کرده‌ام که متن کامل هر سه آنها را به‌ضمیمه این مقاله برای شما می‌فرستم و خلاصه‌ای از آنها را در همین جا خدمتان می‌آورم.

این سه نظرسنجی، به‌ترتیب در ژانویه ۲۰۱۸ (دی‌ماه و بهمن‌ماه ۱۳۹۶)، دسامبر ۲۰۱۸ (دی‌ماه ۱۳۹۷)، و اکتبر ۲۰۱۹ (مهرماه ۱۳۹۸) صورت گرفته‌اند. طبیعتاً بسیاری از پرسش‌هایی که در این سه نظرسنجی مطرح شده، پرسش‌های یکسانی هستند و هدف این بوده که تغییرات احتمالی در دیدگاه‌های مردم نیز بررسی شوند. اما درعین حال، در هرکدام از آنها، پرسش‌های ویژه‌ای نیز وجود دارد که در نظرسنجی‌های دیگر نیست. این پرسش‌های اختصاصی، ناظرند به شرایط زمانی خاص هرکدام از این نظرسنجی‌ها. مثلاً در نظرسنجی ژانویه ۲۰۱۸ (دی‌ماه ۱۳۹۶)، علاوه بر پرسش‌هایی که در نظرسنجی‌های بعدی نیز تکرار شده، پرسش‌هایی وجود دارد دربارهٔ حوادث دی‌ماه ۱۳۹۶.

حتماً به‌خاطر دارید - و اگر به‌خاطر ندارید، نگران نباشید؛ گوگل به‌خاطر دارد!! - که در آن ایام، به‌بهانهٔ گران شدن ناگهانی قیمت تخم‌مرغ، اعتراضات خشمگینانه‌ای به مشکلات معیشتی و گرانی - مخصوصاً توسط برخی از سپرده‌گذاران در پاره‌ای از مؤسسات مالی و اعتباری - از شهر مشهد آغاز شد و به‌دنبال نقش‌آفرینی شبکه‌های مجازی، دامنهٔ آن به‌سرعت به بسیاری از شهرهای کوچک و بزرگ، گسترش پیدا کرد. بعد هم متأسفانه، آن اعتراضات به اغتشاشاتی خونین مبدل شد که طی آن - بنابه‌گزارش وزارت کشور - ۲۵ نفر کشته شدند.

خب، این ماجرا، طبعاً برای محافل ضدانقلاب، یک ارمغان ارزشمند و بی‌نظیر بود. سایت‌های اینترنتی و ماهواره‌های آنها در آن ایام، چنان هلهله‌ای به راه انداختند که نگو و نپرس؛ خبر پشت‌خبر، از

اوج گرفتن آشوب‌ها، به آتش کشیده شدن برخی تصاویر، آسیب وارد شدن به تأسیسات شهری، حمله به دفاتر ائمه جمعه، و شعارهای ساختارشکنانه. خلاصه، تصویری از ایران ترسیم می‌شد که هرخواننده یا بیننده‌ای یقین می‌کرد این آشوب‌ها، سرآغاز یک فروپاشی تمام‌عیار از درون جمهوری اسلامی است. تا جایی که شیرین عبادی - نوبلیست محبوب محافل اصلاح‌طلب - در مصاحبه با رادیوفردها ضمن دعوت از مردم برای ادامه آشوب‌ها، گفت: «اعتراض‌های اخیر، نقطه آغاز جنبشی عظیم است» و مجید محمدی - عضو حلقه کیان^{۱۴} و نویسنده پیشکسوت روزنامه‌های اصلاح‌طلب - در گفتگو با همین شبکه چنین گفت: «استبداد دینی برجسته‌ترین وجه این اعتراضات و فریاد ناامیدی مردم ایران است. زیرا مردم معترض، حکومت ولایت‌فقیه را مصرّ بر حفظ وضع موجود می‌دانند و از اصلاح آن مأیوس شده‌اند. به دلیل این که در ایران، دولت در همه حیطه‌ها حضور دارد، هر اعتراضی سیاسی است چون معیشت و سیاست در هم آمیخته‌اند».

^{۱۴} حلقه کیان جماعتی بودند از افرادی که تحت تأثیر اندیشه‌های کسانی چون عبدالکریم سروش و حسین بشیریه، خود را «روشنفکر دینی» می‌خواندند. این جماعت، نظریه پردازان اصلی تفکراتی بودند که بخش قابل توجهی از فضای مطبوعاتی کشور را در دهه ۷۰ در اختیار خود گرفته و بعدها نیز به عنوان اصلاح‌طلب شناخته شدند. از مهم‌ترین اعضای این حلقه، می‌توان به کسانی همچون ماشاءالله شمس‌الواعظین، هادی خانیکی، شهلا شرکت، الهه کولایی، محمد مجتهد شیبستری، مصطفی رخ‌صفت، رضا تهرانی، سعید حجاریان، محسن آرمین، محسن سازگارا، حمیدرضا جلایی‌پور، علی‌رضا علوی‌تبار، اکبر گنجی، عمادالدین باقی، آرش نراقی، حسین قاضیان، مجید محمدی، محسن کدیور، حسن یوسفی‌اشکوری، احمد بورقانی، عیسی سحرخیز، رجبعلی مزروعی، مصطفی تاج‌زاده، کیان تاجبخش، رامین جهانگللو، محمدتقی فاضل‌مبیدی، محسن میردامادی، ابراهیم اصغرزاده، علی شکوری‌راد، و عباس عبدی نام برد. اکثر قریب به اتفاق اعضای این حلقه، در گذر زمان، به مروجان رسمی اندیشه‌های سکولاری و لیبرالی تبدیل شدند.

برای آگاهی از تایخچه شکل‌گیری حلقه کیان می‌توانید به آدرس زیر مراجعه نمایید:

<https://www.porseman.com/article/%D%AB%2DA%A%9D%84%9E8%80%2C%DA%AF%DB8%CD%8B%1DB8%CD%88%9-%D%8A8%D%81%9DA%A%9D%8B%1D%8A%9D%8A8A-%D%8AD%D%84%9D%82%9D87%9-%DA%A%9DB8%CD%8A%9D%86%9D9%8F/ 152068>

همچنین برای آگاهی بیش‌تر از طرز فکر این‌گونه افراد می‌توانید به مقاله «خودکشی از ترس مرگ» در سایت حلقه مطالعات فلسفه

و اندیشه اسلامی مراجعه فرمایید:

<http://www.halgheh.com/index.asp?page=content/articles.asp>

معلوم است که من در اینجا نه بنا دارم تا درباره آن وقایع بحث کنم و نه قصد تحلیل آن ماجراها را دارم. فقط یادآوری مختصری کردم تا بگویم که نظرسنجی ژانویه ۲۰۱۸ (دی‌ماه ۱۳۹۶) توسط مؤسسه ایران پل و دانشگاه مریلند، درست پس از این حوادث انجام شده و به‌طور طبیعی بخش‌هایی از این نظرسنجی نیز ناظر به همین وقایع است. به‌طوری که حتی عنوان نظرسنجی نیز با این عبارت شکل گرفته است: «افکار عمومی ایرانیان پس از اعتراضات»^{۱۵}

به‌همین ترتیب، باید توجه داشت که نظرسنجی سوم - یعنی نظرسنجی اکتبر ۲۰۱۹ (مهر ۱۳۹۸) - بعد از خروج رسمی آمریکا از برجام اتفاق افتاده و به‌همین دلیل، عنوان نظرسنجی از این قرار است: «افکار عمومی ایرانیان زیر فشار حداکثری»^{۱۶}. طبیعتاً که سؤالات نظرسنجی‌های قبلی درخصوص برجام، با سؤالات این نظرسنجی اخیر تفاوت‌هایی داشته باشد. در نظرسنجی‌های قبلی، مرتباً از مردم می‌پرسد: به‌نظر شما آیا آمریکا در برجام می‌ماند؟ یا نه؟ و اگر نماند، دولت ایران چه عکس‌العملی باید از خود بروز دهد؟ اما در نظرسنجی آخر، سؤالات به این سمت رفته که: اکنون - با توجه به خروج آمریکا از برجام - دولت ایران باید چه رفتاری داشته باشد؟

حالا اجازه می‌خواهم تا وارد متن این نظرسنجی‌ها شویم. یکی از مهم‌ترین محورها در تمام این نظرسنجی‌ها، پرسش از وضعیت اقتصادی ایران است. پرسیده‌اند: «از نظر شما، وضعیت اقتصادی کشور، به‌طور کلی چقدر خوب یا بد است؟» پاسخ می‌توانسته یکی از پنج گزینه «خیلی خوب»، «نسبتاً خوب»، «نسبتاً بد»، «خیلی بد»، و «نظری ندارم» باشد.

درصد پاسخ مردم به هر یک از گزینه‌ها، در سه نظرسنجی مزبور از این قرار است:

خیلی خوب	نسبتاً خوب	نسبتاً بد	خیلی بد	نظری ندارم
۲۰٫۵٪ (دی ۹۶)	۲۷٫۶٪	۲۸٫۲٪	۴۰٫۷٪	۰٫۹٪
۱۰٫۹٪ (دی ۹۷)	۲۶٫۸٪	۲۷٫۹٪	۴۲٫۹٪	۰٫۴٪
۲۸٪ (مهر ۹۸)	۲۸٫۲٪	۲۷٫۳٪	۴۰٫۳٪	۱٫۴٪

سپس پرسیده شده که: «آیا وضعیت کنونی اقتصاد ایران در مجموع رو به بهتر شدن است؟ یا بدتر شدن؟» و پاسخ از این قرار است:

^{۱۵} «Iranian Public Opinion After The Protests»

^{۱۶} «Iranian Public Opinion Under Maximum Pressure»

بهرتر شدن	بدتر شدن	فرقی نکرده	نظری ندارم
ژانویه ۲۰۱۸ (دی ۹۶) ۳۱.۳%	۵۸.۴%	۶.۲%	۴.۱%
دسامبر ۲۰۱۸ (دی ۹۷) ۳۳.۲	۵۹.۵	۴.۱	۳.۲
اکتبر ۲۰۱۹ (مهر ۹۸) ۳۰.۵	۵۳.۶	۹.۷	۶.۳

دست آخر هم پرسیده‌اند: «از نظر شما کدام یک از موارد زیر بیشترین تاثیر منفی را روی اقتصاد ایران گذاشته است؟ تحریم‌ها و فشارهای خارجی؟ یا سوءمدیریت داخلی و فساد؟». این هم جواب مردم:

تحریم‌ها و فشارهای خارجی	سوءمدیریت اقتصادی و فساد	نظری ندارم
ژانویه ۲۰۱۸ (دی ۹۶) ۳۲.۱%	۶۳.۳%	۴.۶%
دسامبر ۲۰۱۸ (دی ۹۷) ۳۶.۲	۵۹.۱	۴.۸
اکتبر ۲۰۱۹ (مهر ۹۸) ۳۷.۵	۵۴.۵	۸.۰

خب، تا اینجا کار، همه چیز روشن است. اکثریت قاطع مردم (تقریباً بیش از دو سوم آنها) وضعیت اقتصادی را وضعیت بدی ارزیابی می‌کنند و بین ۵۰ تا ۶۰ درصد مردم بر این باورند که وضعیت رو به بدتر شدن هم، دارد. اما با این وجود، کم‌تر از ۴۰ درصد، علت اصلی این مشکلات را تحریم‌ها و فشارهای خارجی می‌دانند و بیش از ۵۰ درصد، سوءمدیریت داخلی را مؤثرترین عامل بر شکل‌گیری این وضعیت می‌شمرند.

اما نکته جالب اینجا است که ظاهراً مردم آرام‌آرام به این باور نزدیک می‌شوند که گرچه مدیریت داخلی مشکل دارد و نقش بیش‌تری هم در بد بودن اوضاع داشته اما این فشارهای خارجیست که باعث شده اوضاع اقتصادی بدتر هم بشود. چرا من این استنباط را دارم؟ برای این که اگر اعداد این سه نظرسنجی را با هم مقایسه کنید، می‌بینید که هرچه جلوتر آمده‌ایم، از تعداد کسانی که عوامل داخلی را مهم‌ترین عامل این وضعیت دانسته‌اند، کاسته شده و بر تعداد کسانی که تحریم‌ها را عامل این اوضاع بد می‌دانند، افزوده شده است. به طوری که در دی ۹۶ بیش از ۶۳ درصد مدیریت داخلی را عامل وضعیت بد اقتصادی می‌دانند اما در مهر ۹۸ این افراد به کم‌تر از ۵۵ درصد رسیده‌اند. متقابلاً در دی ۹۶ تنها اندکی بیش از ۳۲ درصد مردم تحریم‌ها را عامل اصلی این وضعیت دانسته‌اند اما در مهر ۹۸ بیش از ۳۷ درصد به این گزینه متمایل شده‌اند. در این فاصله، بر تعداد کسانی که گفته‌اند «نمی‌دانم کدام عامل بیش‌تر در این وضع اثر دارد»

هم حدود ۳ درصد افزوده شده است. این یعنی مردم به مرور زمان، اندک‌اندک به این باور نزدیک‌تر شده‌اند که سوءمدیریت داخلی به جای خود، اما تحریم‌ها نیز واقعا آزاردهنده هستند.

من خودم به عنوان یک شهروند، واقعا نمی‌توانم با اطمینان بگویم که در شرایط فعلی، تحریم‌ها بیش‌تر آزار می‌رسانند یا سوءمدیریت داخلی. در این‌که بعضی از مدیران ما، تقصیرهای بزرگی به گردن دارند، البته شکی نیست؛ مخصوصا برخی از مدیران دولتی که برای بهبود اوضاع، همیشه نیم‌نگاهی به خارج از مرزها دارند و گاهی نیز تمام نگاهشان به خارج است. ولی آیا می‌توان نقش فلج‌کننده‌ترین و هوشمندانه‌ترین تحریم‌های تاریخ را - تعبیری که سران آمریکا درباره تحریم‌هایشان بر علیه ما، دارند^{۱۷} - در این میان نادیده گرفت؟ برای من قضاوت در این باره واقعا دشوار است. بنابراین، اگر از من می‌پرسیدند که «علت این وضعیت، فشارهای خارجی است یا سوءمدیریت داخلی؟»، چنانچه گزینه «هر دو» وجود نمی‌داشت، شاید ترجیح می‌دادم گزینه «نمی‌دانم» را انتخاب کنم!

پس قضاوت مردم درباره اوضاع اقتصادی روشن است. اما اگر می‌خواهید نگاه آنها را به نظامشان، با وجود همه این دشواری‌های اقتصادی، بدانید، خوبست به سؤالاتی توجه کنید که در نظرسنجی ژانویه ۲۰۱۸ - دقیقا پس از آشوب‌ها و حوادث تأسفبار دی‌ماه ۱۳۹۶ - از مردم پرسیده شده است.

گفته‌اند: «اکنون چند سؤال در مورد ناآرامی‌هایی که در اوایل این ماه روی داد». بعد گزاره‌هایی را آورده و پرسیده‌اند «تا چه حد با این گزاره‌ها موافقت می‌کنید؟». جواب می‌توانسته یکی از پنج گزینه «کاملا موافقم»، «تا حدی موافقم»، «تا حدی مخالفم»، «شدیدا مخالفم»، و «نمی‌دانم» باشد.

^{۱۷} رابرت اوبراین - مشاور امنیت ملی آمریکا - اخیرا اعلام کرد: آن‌قدر بر علیه ایران تحریم وضع کرده‌ایم که تقریبا دیگر تحریمی باقی نمانده تا بخواهیم اعمال کنیم. (البته بعضی از کارشناسان معتقدند که اوبراین در این باره اشتباه کرده و هنوز برخی نهادهای ایرانی وجود دارند که تحریم نشده‌اند؛ به عنوان مثال: مجموعه رستوران‌های اکبرجوجه و مجموعه فروشگاه‌های برادران دریانی!!!) برای اطلاع بیش‌تر می‌توانید به آدرس زیر مراجعه نمایید:

<https://www.mashreghnews.ir/news/۱۱۳۴۸۰۱/%D۸%A۲%D۹/۸۵%D۸/B۱/DB/۸C%DA%A۹/D۸/AV->

<https://www.mashreghnews.ir/news/۱۱۳۴۸۰۱/%D۸/A۷/D۸/B۹/D۹/۸۵%D۸/AV/D۹/۸۴-%D۸/AV/D۸/B۹/D۹/۸۵%D۸/AV/D۹/۸۴-%D۸/AA%D۸/AD%D۸/B۱/DB/۸C%D۹/۸۵-%D۸/AN/DB/۸C%D۸/B۴/D۸/AA%D۸/B۱-%D۸/B۹/D۹/۸۴/DB/۸C%D۹/۸۷-%D۸/AV/DB/۸C%D۸/B۱/D۸/AV/D۹/۸>

اینک درصد پاسخ مردم به هریک از گزینه‌ها:

کاملاً موافقم	تأحدی موافقم	تأحدی مخالفم	شدیدا مخالفم	نمی‌دانم
۴۳،۰٪	۲۹،۶٪	۱۳،۴٪	۹،۱٪	۴،۹٪
دولت باید کمک به مستمندان اقدامات کافی انجام نمی‌دهد	۲۱،۵	۲۰،۳	۲۳،۱	۷،۲
دولت باید در جاهایی مانند سوریه و عراق کم‌تر هزینه کند	۲۱،۷	۱۴،۷	۲۶،۰	۴،۳
دولت نباید در اجرای قوانین اسلامی شدت عمل به‌خرج دهد	۱۷،۲	۱۵،۴	۳۱،۱	۶،۲
سطح فعلی حضور در عراق و سوریه در راستای منافع ملی نیست	۸۱،۳	۱۳،۷	۱،۸	۰،۸
دولت باید تلاش بیشتری برای جلوگیری از گرانی انجام دهد	۸۵،۲	۱۰،۵	۱،۴	۱،۹
دولت باید تلاش بیشتری برای مبارزه با فساد اداری انجام دهد	۱۱،۳	۱۵	۳۶،۷	۶،۹
دولت بیش از حد در زندگی شخصی مردم دخالت می‌کند	۴،۹	۱۱،۵	۲۳،۲	۷
لازم است در نظام سیاسی ایران تغییرات بنیادین ایجاد شود	۴۶	۳۵	۹	۳،۸
دولت باید خسارت مالباختگان مؤسسات مالی را جبران کند	۶۹،۲	۱۶،۱	۵،۸	۱،۴
دولت نباید یارانه‌ها را قطع کند	۸،۸	۱۷،۴	۲۵،۵	۸،۹
نهادهای نظامی باید پول کم‌تری برای ساخت موشک هزینه کنند	۶۳	۲۱،۵	۶،۷	۲،۵
دولت باید در برخورد با آشوبگران قاطعیت بیشتری به‌خرج دهد				

این بخش از نظرسنجی واقعا جالب است. کاملاً روشن است که مردم تنگناهای اقتصادی را با پوست و گوشت خود حس می‌کنند. به‌همین دلیل، از دولت - یا به‌طور کلی از نظام حاکمیت^{۱۸} - انتظار دارند که از این‌جهت تلاش بیشتری به‌خرج دهد. وقتی سؤال می‌شود «چقدر موافقید که دولت باید تلاش بیشتری برای مبارزه با گرانی انجام دهد؟»، بیش از ۹۵ درصد (۸۱،۳٪+۱۳،۷٪+۰،۴٪) آنها می‌گویند: موافقیم.^{۱۹} وقتی می‌پرسند «چقدر موافقید که دولت باید تلاش بیشتری برای مبارزه با فساد اداری انجام دهد؟»، بیش از ۹۵ درصد آنها می‌گویند: موافقیم. وقتی می‌پرسند «آیا کمک دولت به اقشار ضعیف‌تر جامعه کافیست؟»، بیش

^{۱۸} یکی از مشکلات مهم در بازتاب این‌گونه نظرسنجی‌ها، در ترجمه مفهوم «Government» بروز می‌کند. این لغت گاهی به‌معنای «دولت» - یعنی قوه مجریه - و گاهی به‌معنای کل «حاکمیت» - یعنی همان «نظام» در اصطلاح رایج امروزی - به‌کار می‌رود. رفع این مشکل البته چندان دشوار نیست. به‌راحتی می‌توان با توجه به محتوای سؤال، تشخیص داد که در هر سؤال، نگاه پاسخ‌دهندگان، وقتی با تعبیر «دولت» مواجه می‌شوند، قوه مجریه است یا کل نظام. اما شما برای سادگی کار - و رفع هرگونه بهانه‌گیری - می‌توانید، منظور از این لغت را در همه موارد، همان کل نظام حاکمیت قلمداد کنید. حال آن‌که واضح است پاره‌ای از نارضایتی‌های بازتاب یافته در نظرسنجی‌ها، فقط ناظر به قوه مجریه است نه کل نظام.

^{۱۹} ما در بررسی همه نظرسنجی‌ها، برای این‌که تخمین واضح‌تری به‌دست بیاوریم درصد کسانی که با مطلبی «کاملاً» یا «خیلی» موافقت را با درصد کسانی که «تأحدودی» یا «نسبتاً» موافقت جمع می‌کنیم و درصد آراء «نمی‌دانم» یا «نظری ندارم» را (که معمولاً خیلی اندک هستند) نیز تقسیم بر دو نموده به آنها اضافه می‌کنیم. طبیعتاً همین کار را برای درصد کسانی که می‌گویند با مطلبی مخالفند نیز انجام می‌دهیم.

از ۷۲ درصد آنها می‌گویند که این کمک‌ها کافی نیست. پس عجیب نیست وقتی می‌بینیم بیش‌تر از ۷۵ درصد آنها مخالف قطع شدن همین یارانه ناچیزی هستند که دولت به مردم پرداخت می‌کند.

اما با این وجود، چنین به نظر می‌رسد که مردم هیچ مشکلی با کلیت نظام ندارند. برای این‌که درست در لابه‌لای سؤالات مربوط به وضعیت اقتصادی، وقتی **رئذانه** از آنها سؤال می‌شود «به نظر شما، آیا لازم است در نظام ایران تغییرات بنیادین ایجاد شود؟»، ناگهان بیش از ۷۶ درصد با این موضوع مخالفت می‌کنند و تنها کم‌تر از ۵ درصد از مردم می‌گویند که با این گزینه کاملاً موافقت می‌کنند. حتی اگر فرض کنیم همه کسانی که گفته‌اند «تا حدودی» موافق تغییر بنیادین در نظام حاکم بر ایران هستند، کاملاً موافق این موضوع باشند، و نیمی از کسانی هم که گفته‌اند «نمی‌دانم»، باز موافق تغییرات بنیادین در نظام حکومتی ما باشند و نیمی نباشند، باز هم باید نتیجه گرفت که **بیش از ۸۰ درصد مردم با کلیت نظام اسلامی در ایران موافق هستند**؛ و این عدد کافیست تا ما در خصوص میزان مقبولیت جمهوری اسلامی در نزد مردم ایران، قاطعانه نتیجه‌گیری کنیم. اما اجازه دهید این کار را نکنیم چون بحث خیلی جالب‌تر از این است!

در همین نظرسنجی، وقتی از مردم می‌پرسند «آیا موافقت می‌کنید که دولت نباید در اجرای قوانین اسلامی شدت عمل به خرج دهد؟»، تنها حدود ۲۱ درصد از مردم اعلام می‌کنند که با این مطلب موافقت می‌کنند و حدود ۱۴ درصد هم می‌گویند: «تا حدودی». حتما توجه دارید که این سؤال چقدر جهت‌دار است و در نهان خود تا چه اندازه سعی می‌کند از مردم جوابی بگیرد که نشان‌دهنده مخالفت آنها با اجرای مقررات شرعی و احکام اسلامی باشد. چون اصطلاح «شدت عمل» که در این سؤال آمده، واقعا یک عبارت مبهم و درعین حال دارای بار منفی است.^{۲۰} منظور از «شدت عمل» در این سؤال چیست؟ «یک‌دندگی»؟ «انعطاف نداشتن»؟ «سختگیری»؟ «زورگویی»؟ «اجبار و اکراه»؟ خب چه کسی این جور چیزها را دوست دارد؟ هیچ‌کس. پس

^{۲۰} متن انگلیسی سؤال دقیقا اینست: «The government Should not be strict in enforcing Islamic Laws.» ما دقیقا نمی‌دانیم در این نظرسنجی، پرسش‌کنندگان از مردم ایران، چه عبارتی را به کار گرفته‌اند. بنابراین، «Strict» را معادل «سختگیری» و «Enforce» را معادل «اجرا». درحالی که لغت اول را می‌توان معادل «یک‌دندگی» و دومی را می‌توان معادل «مجبور کردن و به‌زور پیش بردن» هم گرفت. بنابراین ما سعی کردیم سؤال را به شکل معتدلی ترجمه کنیم؛ که البته، باز هم جهت‌دار بودن آن معلوم است. اما این سؤال می‌تواند حتی جهت‌دارتر از چیزی که ما گفته‌ایم هم، تلقی شده باشد.

وقتی می پرسند «آیا موافقید که حاکمیت نباید در اجرای قوانین اسلامی شدت عمل به خرج دهد؟»، معلوم است که خیلی ها ناخودآگاه می روند به سمت این که بگویند بله موافقیم. اما با این وجود، می بینید حتی اگر نیمی از کسانی را که گزینه «نمی دانم» را انتخاب کرده اند - به روال تحلیل های گذشته - مخالف اجرای سختگیرانه دستورات دینی بدانیم، باز هم **پیش از ۶۱ درصد مردم طرفدار اجرای - حتی سختگیرانه - این گونه احکام هستند.** این یعنی، **نه تنها مردم موافق تغییرات بنیادین در نظام حاکمیت نیستند بلکه به طور جدی طرفدار این هستند که احکام شرعی در قوانین ما پیگیری شوند.** من مطمئن هستم اگر به جای این سؤال جهت دار، سؤال بی طرفانه تری می پرسیدند - مثلاً: «آیا موافقت با اجرای قوانین اسلامی جدید کافی به خرج دهد؟» - پاسخی به مراتب قاطعانه تر، به نفع حاکمیت دین در نظام حکومتی به دست می آمد.

اما موضوع از این هم جالب تر است. آنچنان که این نظرسنجی نشان می دهد، اکثریت مردم ایران، به رغم همه مشکلات اقتصادی، و حتی سوءمدیریت های داخلی، نه تنها با حاکمیت جمهوری اسلامی مشکل بنیادینی ندارند، و نه تنها خواهان حضور جدی دین در عرصه حاکمیت هستند، بلکه با سیاست های عملی جمهوری اسلامی هم، به طور کلی، موافقند. چطور؟ الان توضیح می دهم.

شما فقط به خاطر بیاورید که در طول سالیان اخیر، چه حجم حیرت انگیزی از تبلیغات، هم توسط بنگاه های سخن پراکنی^{۲۱} بیگانه، و هم توسط برخی سیاستمداران داخلی - که متأسفانه اغلب نیز خود را اصلاح طلب می نامند^{۲۲} - صورت گرفته تا به مردم بگویند: بخش اعظم مشکلات کشور ما، اعم از مشکلات اقتصادی و غیراقتصادی، به خاطر آنست که به دلایل ایدئولوژیک - بخوانید: به دلیل باور به ارزش های دینی - حاضر نمی شویم مثل یک عضو معمولی در جامعه جهانی رفتار کنیم. چرا؟ چون حضور ما در عراق و سوریه و لبنان، و

^{۲۱} Broadcast Corporations

^{۲۲} و من نمی دانم - و شخصاً از این بابت بسیار متأسفم که - چرا اصلاح طلبان اصیل ما، هیچ وقت در برابر چنین کسانی، موضع گیری واضحی نمی کنند.

حمایت ما از مردم فلسطین، برخلاف خواست جامعه جهانی - بخوانید: تعدادی کشور قلدر و زورگو - است.

من فعلا نمی‌خواهم به این حرف‌ها جواب دهم. چون قبلا در این باره حرف‌هایم را زده‌ام.^{۲۳} فقط می‌خواهم به یاد شما بیاورم که در طول این سال‌ها، در محاصره چه حجم کم‌رشدگی از تبلیغات داخلی و خارجی، بر علیه یکی از مهم‌ترین سیاست‌های جمهوری اسلامی در عرصه خارجی، بوده‌ایم. اما با این وجود، مردم ما چگونه می‌اندیشند؟ وقتی از آنها می‌پرسند «چقدر موافقید که دولت باید در جاهایی مانند سوریه و عراق کم‌تر هزینه کند؟»، کم‌تر از ۲۲ درصد مردم با این گزینه «کاملا موافق» هستند و تقریباً همین مقدار هم می‌گویند «تا حدودی». اما همچنان بیش از ۵۴ درصد با این مطلب موافق نیستند.^{۲۴}

تازه باید توجه داشت که سؤال اخیر، باز هم مبهم و جهت‌دار است و معلوم نیست وقتی می‌پرسد «کم‌تر هزینه کند»، منظور چه مقدار کم‌تر است. شاهدش این‌که، وقتی سؤال اندکی واضح‌تر می‌شود، جواب مردم نیز صراحت بیشتر پیدا می‌کند. یعنی وقتی می‌پرسد «تا چه اندازه موافقید که سطح فعلی حضور در عراق و سوریه، در راستای منافع ملی نیست؟»، بیش از ۶۴ درصد می‌گویند که مخالف این سخن هستند. یعنی به‌رغم این همه تبلیغات، نزدیک به دو سوم از مردم، دست کم با همین سطح از حضور ما در عراق و سوریه، موافقت و آن‌را در راستای منافع ملی می‌دانند.

از این جالب‌تر، زمانی است که دامنه بحث به توان موشکی ما می‌رسد. باز هم به‌خاطر بیاورید که در طول سال‌های اخیر، نوک پیکان تبلیغات در رسانه‌های بیگانه، و نیز در میان برخی سیاستمدارانی که همیشه به‌سمت آنها غش می‌کنند،^{۲۵} توان موشکی ما بوده است. یک روز

^{۲۳} برای مثال، می‌توانید مراجعه کنید به مقاله «اصلاح‌طلبی و بحران کبراها» در سایت حلقه مطالعات فلسفه و اندیشه اسلامی:

<http://www.halgheh.com/index.asp?page=content/articles.asp>

^{۲۴} من همچنان به‌روال مقالات قبلی، برای آن‌که عدد روشن‌تری به‌دست بیاید، رأی افراد ممتنع را که درصد خیلی کمی هم دارند (در اینجا ۷،۲ درصد) میان موافقان و مخالفان یک گزینه، نصف‌نصف در نظر می‌گیرم.

^{۲۵} گفتم «همیشه به‌سمت آنها غش می‌کنند»، یاد صحنه‌ای از فیلم «سلطان» - ساخته مسعود کیمیایی - افتادم. در آن صحنه، شخصیت مثبت فیلم، یعنی همان سلطان (با بازی فریبرز عرب‌نیا) هنگام درگیری با یکی از شخصیت‌های منفی داستان به‌نام گرم (با بازی کیانوش گرامی) به او گفت: «نمی‌دونم تو چرا همیشه اون‌وری غش می‌کنی؟! - به‌بارم این‌وری غش کن!!». بعد خطاب به گرم ادامه داد: «گرم! تا حالا چندبار گفتمی نوکرم؟!»

گفتند سیاست دفاعی ایران در جهت تقویت توان موشکی، نوعی بلندپروازی خیالبافانه است. یک روز گفتند عصر حاضر عصر مذاکره و دیپلوماسی است نه موشک و اسلحه. یک روز دیگر، به دنبال برجام موشکی بودند. حتی یک روز آمدند گفتند برجام اصلی اگر شکست خورد، به خاطر آن بود که روی موشک‌هایمان شعار «مرگ بر اسرائیل» نوشته بودیم!!! اما با تمام این حرف‌ها، ببینید مردم ما در قبال مهم‌ترین سیاست دفاعی جمهوری اسلامی چه موضعی دارند. وقتی در لابه‌لای پرسش از مشکلات اقتصادی، از آنها می‌پرسند «چقدر موافقید که نهادهای نظامی باید پول کم‌تری برای ساخت موشک هزینه کنند؟»، کم‌تر از ۹ درصد آنها می‌گویند که با این گزینه «کاملاً موافق» هستند و کم‌تر از ۱۸ درصد هم «تا حدودی موافق» این موضوعند. متقابلاً نزدیک به ۷۰ درصد از مردم با این مطلب مخالفت می‌کنند. یعنی با وجود این همه تبلیغات و ضدتبلیغات داخلی و خارجی، اکثریت قاطع مردم ایران، با سیاست‌های دفاعی جمهوری اسلامی همراه هستند.

در خصوص سیاست‌های داخلی و اجتماعی نیز بد نیست به این پرسش توجه کنیم که می‌پرسند: «چقدر با این موضوع موافقید که دولت بیش از حد در زندگی شخصی مردم دخالت می‌کند؟». قاعدتاً شما می‌دانید جایگاه و خاستگاه این پرسش کجاست. اگر فراموشتان شده، فقط به خاطر بیاورید که در طول این سال‌ها، باز توسط همان دستگاه‌های تبلیغاتی خارجی، و لیبرال‌ها و سکولارهای داخلی، چه فشاری وجود داشته تا مردم ما، دین را امری شخصی و خصوصی قلمداد کنند و در نتیجه، اصرار حکومت به اجرای احکام شرعی را نوعی دخالت بیجا در زندگی خصوصی مردم بنامند. مثلاً نگاه کنید که چگونه برخی از سیاستمداران ما - که باز متأسفانه نام خود را اصلاح‌طلب می‌گذارند - حجاب/اسلامی را امری شخصی می‌خوانند. به یاد بیاورید که چگونه برخی از همین سیاستمداران، هم‌نوا با شبکه‌های ماهواره‌ای، اجرای قانون حجاب را مرتباً زیر سؤال برده‌اند. به یاد بیاورید که در ماجرای «دختران خیابان انقلاب» یا «چهارشنبه‌های سفید»، چه موضعی گرفته‌اند. همه این‌ها برای آن بوده که بگویند نظام جمهوری اسلامی اگر بر اجرای قانون حجاب یا نظائر آن - مثل برخورد با روزه‌خواری علنی - اصرار می‌ورزد، با این کارها در زندگی شخصی و خصوصی مردم دخالت بیجا می‌کند.

من باز در اینجا بنا ندارم به این حرف‌ها جواب بدهم. اگر کسی می‌خواهد درباره موضوعاتی همچون «امور فردی و اجتماعی و حد و مرزهای آنها»، «ملاک تعیین امور فردی و اجتماعی، از نقطه نظر فلسفی»، و بالاخره، «دیدگاه اسلام در این زمینه‌ها» بحث کند، می‌تواند به کتاب «یستاده در باد»^{۲۶}، و یا حتی همین چراغ‌هایی که نذر چهل سالگی انقلاب روشن کرده‌ایم، مراجعه کند. فعلا فقط می‌خواهم بگویم: با همه تبلیغاتی که توسط بیگانه و آشنا صورت گرفته تا تأکید حکومت بر رعایت شئون دینی، نوعی دخالت در زندگی شخصی مردم تلقی شود، باز هم ببینید مردم در این باره چه موضعی دارند. وقتی از آنها سؤال می‌شود «تا چه اندازه موافقید که دولت بیش از حد در زندگی شخصی مردم دخالت می‌کند؟»، تنها حدود ۲۶ درصد از آنها اعلام می‌کنند که با این مطلب موافقت اما پیش از ۷۰ درصد مردم، چنین حرفی را قبول ندارند که نظام حکومتی ما، در زندگی خصوصی مردم بیش از حد دخالت می‌کند.

بالاخره، اگر کسی به دنبال تشخیص مقبولیت کلی نظام جمهوری اسلامی در نزد مردم ایران است، شاید بهترین کار این باشد که در این نظرسنجی‌ها، به یک سؤال دیگر نیز به دقت نگاه کند؛ آنجا که در خصوص وقایع دی ماه سال ۹۶ از مردم می‌پرسند «چقدر موافقید که دولت باید در برخورد با آشوبگران قاطعیت بیشتری به خرج دهد؟» و ۶۳ درصد از مردم می‌گویند «کاملا موافق» با این موضوع هستند؛ بیش از ۲۱ درصد هم می‌گویند «تا حدودی موافق» برخورد قاطع تر با آشوبگران خیابانی هستند. در حالی که در نقطه مقابل، تنها حدود ۱۳ درصد از مردم، کسانی که در آن وقایع دست داشتند - یعنی پیشمرگان تحقق آرزوهای کسانی همچون شیرین عبادی و مجید محمدی - را مستحق برخورد قاطعانه تری نمی‌دانند. کم‌ترین معنایی که می‌توان از این پاسخ به دست آورد، اینست که بیش از ۸۵ درصد از مردم، نه تنها هیچ دلیلی نمی‌بینند که با این نظام، برخورد خشونت آمیز صورت گیرد بلکه معتقدند با کسانی که چنین برخوردهایی می‌کنند، باید خیلی قاطعانه برخورد کرد. آیا این معنایی به جز مقبولیت کلی نظام حاکم بر ایران، در نزد مردمش دارد؟

در این زمینه جالب است اگر به سؤالات دیگری که پیرامون وقایع زمستان ۹۶ در نظرسنجی ژانویه ۲۰۱۸ آمده نیز توجه کنیم. پرسیده‌اند: «به نظر شما، در مجموع، عملکرد پلیس در

^{۲۶} <http://www.halgheh.com/index.asp?page=Books/Book.asp>

مدیریت اعتراضات اخیر چقدر خوب یا بد بوده است؟» و پاسخ می‌توانسته یکی از ۵ گزینه «خیلی خوب»، «نسبتاً خوب»، «نسبتاً بد»، «خیلی بد»، و «نمی‌دانم» باشد. این هم درصد جواب مردم به هریک از گزینه‌ها:

خیلی خوب	نسبتاً خوب	نسبتاً بد	خیلی بد	نظری ندارم
۳۴.۵٪	۳۱.۸٪	۱۱.۵٪	۱۲.۲٪	۱.۰٪

عملکرد پلیس در مجموع

ببینید، من نمی‌خواهم بگویم که همه مردم ایران، یکپارچه عاشق سینه‌چاک این نظام هستند. معلوم است که مردم نسبت به هر موضوعی، طیف‌های متنوعی دارند. من حتی نمی‌خواهم بگویم نظری که مردم در نظرسنجی‌ها ابراز می‌کنند، لزوماً نظر درستی است. ای بسا که در موضوعی، نظر شخص بنده، با نظر اکثریت مردم، همساز نباشد. من - چنانچه بارها گفته‌ام - حتی نمی‌خواهم بگویم که مقبولیت مردمی یک نظام سیاسی، معادل مشروعیت آن نظام است. فقط می‌خواهم بگویم **اگر به دنبال سنجش مقبولیت این نظام - با همه نقطه‌ضعف‌هایش، و با همه مشکلاتی که مظلومانه درگیر آنست - هستیم، بفرمایید این میزان از مقبولیت را، با مقبولیت دیگر نظام‌های سیاسی جهان مقایسه کنید و بعد نتیجه بگیرید. همین.**

حالا اگر کسی می‌خواهد از طیف متنوع دیدگاه‌های مردم، کمی بیش‌تر باخبر شود، می‌تواند به سؤال دیگری از این نظرسنجی توجه کند. آنجا که باز در مورد آشوب‌های زمستان ۹۶ از مردم سؤال می‌کنند؛ و این بار سؤالشان ناظر به کسانی است که در این آشوب‌ها دستگیر شده‌اند. متن سؤال اینست: «همان‌طور که می‌دانید، تعدادی از افراد در جریان اعتراضات اخیر توسط پلیس دستگیر شدند، و دستگاه قضایی به فکر آزاد کردن بعضی از دستگیرشدگان است. در ادامه فهرستی از افرادی که دستگیر شده‌اند، آمده است. در مورد هر دسته از افراد لطفاً نظرتان را بیان کنید که: آیا بیش‌تر آنها باید آزاد شوند؟ یا بیش‌تر آنها باید تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند ولی مجازات شدید نشوند؟ و یا آن‌که بیش‌تر آنها باید تحت پیگرد قانونی و مجازات سنگین قرار بگیرند؟». سپس دستگیرشدگان را به ۷ دسته تقسیم کرده و از مردم خواسته‌اند تا بگویند که با هر دسته بهتر است چه برخوردی صورت بگیرد؛ آزاد شوند؟ مجازات سبک برایشان بریده شود؟ یا مجازات سنگین برایشان اجرا شود؟ ضمناً دو گزینه دیگر نیز اضافه کرده‌اند: «بستگی دارد» و «نمی‌دانم». این ۷ دسته از این قرارند:

- معترضینی که به صورت مسالمت آمیز، بر علیه سیاست های دولت شعار داده اند
- معترضینی که به صورت مسالمت آمیز بر علیه اسلام یا قوانین مذهبی شعار داده اند
- معترضینی که به صورت مسالمت آمیز بر علیه نظام جمهوری اسلامی شعار داده اند
- معترضینی که پرچم جمهوری اسلامی را آتش زده اند
- معترضینی که به اموال عمومی آسیب رسانده اند
- معترضینی که به پلیس حمله کرده اند
- معترضینی که به طور اتفاقی به عابران و افراد عادی صدمه وارد کرده اند.

جدول زیر نشان می دهد که چند درصد از پاسخ دهندگان، برای هردسته از این افراد، چه

مجازات را مناسب دانسته اند:

آزاد شوند	سبک مجازات شوند	سنگین مجازات شوند	بستگی دارد	نمی دانم	
۶۴.۵٪	۲۷٪	۳.۷٪	۱.۷٪	۳.۱٪	شعار علیه سیاست دولت
۱۹.۹	۴۲.۳	۳۱.۹	۲.۲	۳.۷	شعار علیه قوانین مذهبی
۲۵.۵	۴۰	۲۸.۳	۱.۹	۴.۲	شعار علیه نظام
۴.۳	۳۰.۴	۶۲.۵	۰.۹	۱.۹	آتش زدن پرچم
۳.۴	۳۳.۵	۵۹.۷	۱.۵	۱.۹	آسیب به اموال عمومی
۵.۶	۲۵.۵	۶۳.۹	۲.۷	۲.۳	حمله به پلیس
۱۸.۹	۵۷.۳	۱۹.۶	۱.۷	۲.۶	آسیب تصادفی به عابران

پاسخ مردم به این سؤالات نیز واقعا گویاست. کاملا پیداست که اکثریت مردم اعتراض مسالمت آمیز بر علیه دولت و سیاست های آنرا (منظور از دولت در اینجا یقینا قوه مجریه است چون در همین سؤالات، میان نظام و قوه مجریه تفکیک به عمل آمده است) کاری مشروع می دانند. به همین جهت حدود دوسوم از مردم خواهان آزاد شدن کسانی هستند که بر علیه دولت و سیاست های آن، اعتراض مسالمت آمیز داشته اند. اما وقتی کار به اعتراض بر علیه دین و قوانین مذهبی می رسد، بیش از ۷۷ درصد از مردم، این کار را جرم می دانند و خواهان مجازات کسانی هستند که ولو به شکلی مسالمت آمیز، بر علیه دین و قوانین مذهبی شعار داده اند. به همین ترتیب، بیش از ۷۱ درصد از مردم، شعار دادن بر علیه نظام جمهوری اسلامی را نیز جرم می شمردند و خواهان مجازات کسانی هستند که چنین رفتاری داشته اند. ضمن این که در هر دو مورد اخیر، یک اکثریت حدودا ۴۰ درصدی بر این باورند که گرچه این گونه رفتارها کاری ناپسند و مجرمانه

است اما بهتر است با چنین افرادی، حداکثر رأفت و مدارا را به کار برد و برایشان مجازات‌هایی نه‌چندان سنگین در نظر گرفت.

بحث **آتش زدن پرچم** که به‌میان می‌آید، حساسیت‌ها بیش‌تر می‌شود. در اینجا بیش از

۹۴ درصد خواهان مجازات این افراد می‌شوند و حدود ۶۳ درصد مجازاتی سنگین را لایق کسانی

می‌دانند که پرچم ایران را به آتش کشیده‌اند. تقریباً عین همین نگاه در خصوص آسیب‌زنندگان

به اموال عمومی نیز وجود دارد. یعنی بیش از ۹۴ درصد از مردم معتقدند که آسیب‌زنندگان به

اموال عمومی باید مجازات شوند و حدود ۶۰ درصد خواهان مجازات سنگین برای آنها هستند.

من باز هم تأکید می‌کنم که فعلاً در اینجا قصد ارائه‌ی تحلیلی جامع از نتایج این نظرسنجی

را ندارم. فقط به دنبال این هستم که تخمینی از میزان مقبولیت نسبی نظام جمهوری اسلامی را در

نزد مردم به دست بیاورم. به گمانم مطلب نیز روشن است. وقتی اکثریت قاطع مردم - یعنی بیش

از ۷۱ درصد - حتی اعتراض مسالمت‌آمیز بر علیه دین و نظام دینی را بر نمی‌تابند و خواهان

مجازات - سبک یا سنگین - کسانی هستند که چنین تظاهراتی می‌کنند، آیا می‌توان گفت که

این نظام از مقبولیت برخوردار نیست؟ وقتی بیش از ۷۱ درصد مردم عملکرد پلیس را در

برخورد با معترضین عملکرد خوبی ارزیابی می‌کنند - و در سؤال دیگری در همین نظرسنجی،

نزدیک به ۸۰ درصد می‌گویند که پلیس حتی خشونت زیادی هم به خرج نداده - آیا می‌توان

گفت که این نظام در نزد مردمش محبوبیت ندارد؟

موضوع وقتی جالب‌تر می‌شود که صراحتاً از مردم سؤال می‌کنند «فکر می‌کنید مردم در

ایران چقدر آزادی سیاسی دارند؟ خیلی زیاد؟ خیلی کم؟ یا به اندازه لازم؟».

خوب فکر می‌کنید مردم در این باره چه نظری دارند؟ براساس نظرسنجی ژانویه ۲۰۱۸

(زمستان ۱۳۹۶)، دیدگاه مردم ما در این زمینه، از این قرار است:

- ۹،۲ درصد معتقدند آزادی‌های سیاسی در ایران خیلی زیاد است.

- ۳۰،۴ درصد معتقدند آزادی‌های سیاسی در ایران خیلی کم است.

- ۵۶،۲ درصد معتقدند که در ایران آزادی‌های سیاسی به اندازه لازم وجود دارد.

- ۴،۲ درصد هم گفته‌اند نمی‌دانم.

من خودم شخصا آرزو دارم روزی فرا برسد که همه مردم این احساس را داشته باشند که آزادی‌های سیاسی در ایران خیلی زیاد است. واقعیت اینست که ما هنوز به الگوی روشنی در خصوص آزادی‌های سیاسی - مخصوصا برپایه ارزش‌های دینی خودمان - دست پیدا نکرده‌ایم. متأسفانه در این خلاء، عده‌ای هم عملا الگوهای غربی را تنها الگوی مناسب برای تحقق آزادی‌های سیاسی می‌دانند؛ که من فکر می‌کنم این خودش یک اشتباه بزرگ‌تر است. الگوهای غربی نه تنها در بردارنده آزادی‌های واقعی نیست (به‌باور بسیاری از متفکران در خود غرب) که با روح و جسم تعالیم دینی ما هم در تضاد است. فعلا نمی‌خواهم در این باره حرف بزنم.^{۲۷} فقط می‌خواهم بگویم: مگر نه اینست که یکی از تیزترین چاقوها بر گلوی انقلاب/اسلامی و نظام جمهوری/اسلامی، در طول چهل سال گذشته، همین بحث آزادی بیان و آزادی‌های سیاسی بوده است؟ اما با این وجود، ببینید که باز چگونه اکثریت قاطعی از مردم - بیش از دوسوم آنها - وضعیت آزادی‌های سیاسی را در ایران، اگر نه ایده‌آل، دست کم وضعیت مطلوبی می‌دانند. بنابراین، آیا می‌توان در مقبولیت نسبی این نظام دینی در نزد مردم ایران، تردید کرد؟

اما اجازه دهید برپایه همین نظرسنجی‌ها، نگاهی هم به دیدگاه مردم ایران در خصوص تکنولوژی هسته‌ای و ماجرای برجام بدفرجام بیندازیم. لازم به توضیح نیست که مسئله هسته‌ای نیز یکی از مهم‌ترین سیاست‌های راهبردی جمهوری/اسلامی در سالیان اخیر بوده است. سال‌هاست که ماهواره‌های بیگانه - و همفکران داخلی آنها - مرتبا بر این طبل می‌کوبند که ایران با داشتن این همه منابع سوخت فسیلی، اصلا نیازی به انرژی هسته‌ای ندارد. سال‌هاست که با انواع و اقسام ترفندها سعی می‌کنند به مردم ما بگویند که اصرار به داشتن انرژی هسته‌ای، با این همه هزینه‌ای که در روابط بین‌المللی برای ما ایجاد می‌کند، اساسا کار اشتباهی است. سال‌هاست می‌کوشند به مردم ما بگویند که اگر قرار باشد مثل کره شمالی تکنولوژی هسته‌ای داشته باشیم، اما دنیا با ما قطع ارتباط کند، چه فایده‌ای دارد؟ اما در

^{۲۷} برخی از حرف‌هایم را در این زمینه، در قسمت‌های قبلی از همین سلسله‌مقالات (چهل چراغ نذر چهل سالگی انقلاب) گفته‌ام. بخشی دیگر را نیز در ادامه همین سلسله‌مقالات مطرح خواهم کرد. بحث مفصل‌تر را نیز می‌توانید در مقاله‌ای با عنوان «دموکراسی افسارگسیخته؛ ماجراهای آیت‌الله مصباح‌یزدی» ببینید. این مقاله از طریق سایت حلقه مطالعات فلسفه و اندیشه اسلامی در دسترس قرار دارد:

نقطه مقابل، این جمهوری/اسلامی است که بر حق مسلم مردم ما برای استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای تأکید می‌کند. باز من نمی‌خواهم نظر شخصی خودم را در این زمینه‌ها مطرح کنم. فقط می‌خواهیم ببینیم که: مردم، با تمام مشقاتی که به خاطر دست یافتن به این حق مسلم خود با آن روبرو شده و می‌شوند، آیا دیدگاهشان متمایل به دیدگاه نظام است؟ یا متمایل است به مخالفان آن؟

این سؤال، در نظرسنجی‌های ژانویه ۲۰۱۸ (زمستان ۹۶) و دسامبر ۲۰۱۸ (زمستان ۹۷) عیناً پرسیده شده اما من آنرا در نظرسنجی اکتبر ۲۰۱۹ (پاییز ۹۸) پیدا نکردم. در آنجا سؤالات دیگری وجود دارد که متضمن پاسخ این پرسش نیز هست. در هر صورت بیایید ببینیم میزان همدلی مردم با سیاست هسته‌ای نظام - سیاستی که به گمان بعضی‌ها بسیار پرهزینه و کم‌فایده است، و به گمان بعضی دیگر، مثل هراسیست پرسود دیگری، دشواری‌هایی دارد - چیست. از مردم پرسیده‌اند: «از نظر شما، توسعه برنامه‌های هسته‌ای چقدر برای کشورمان اهمیت دارد؟». جواب می‌توانسته یکی از پنج گزینه «خیلی اهمیت دارد»، «نسبتاً اهمیت دارد»، «اهمیت زیادی ندارد»، «اصلاً مهم نیست»، و «نظری ندارم» باشد. این هم درصد پاسخ به هریک از گزینه‌ها در دو نظرسنجی:

	خیلی مهم	نسبتاً مهم	کم اهمیت	بی‌اهمیت	نظری ندارم
ژانویه ۲۰۱۸ (دی ۹۶)	۷۵٫۳٪	۱۰٫۵٪	۵٫۱٪	۴٫۵٪	۴٫۶٪
دسامبر ۲۰۱۸ (دی ۹۷)	۷۸٫۶	۱۱٫۲	۳٫۷	۲٫۶	۳٫۹

خوب توجه کردید؟ در این دو نظرسنجی، به ترتیب بیش از ۸۸ و ۹۱ درصد از مردم، برنامه هسته‌ای را - با تمام مشقات آن - «مهم» قلمداد کرده و جالب آن‌که، بیش از ۷۵ و بیش از ۷۸ درصد پاسخ‌دهندگان، آنرا «خیلی مهم» دانسته‌اند. خوب؛ آیا این نشان نمی‌دهد که مردم با سیاست‌های راهبردی این نظام همراه هستند؟ و آیا مقبولیت معنایی جز این دارد؟

از این جالب‌تر، پرسشی است که در نظرسنجی اکتبر ۲۰۱۹ (پاییز ۹۸) آمده است. پرسیده‌اند: «اکنون که آمریکا از توافقنامه برجام خارج شده و دوباره تحریم‌های خود را علیه ایران وضع کرده است، اگر سایر کشورهای گروه ۵+۱ متعهد به توافق باشند و سعی کنند با

وجود تحریم‌های آمریکا، روابط تجاری خود را با ایران حفظ کنند، فکر می‌کنید ایران باید چه کاری انجام دهد؟». جواب می‌توانسته یکی از این چهار گزینه باشد:

- ایران باید از برجام خارج شود.

- ایران باید نسبت به برجام متعهد باشد.

- بستگی دارد.

- نظری ندارم.

پاسخ مردم چه بوده؟ ۵۸,۹ درصد، گزینه اول؛ ۳۲,۰ درصد، گزینه دوم؛ ۱,۱ درصد، گزینه

سوم؛ و ۸,۱ درصد، گزینه چهارم. یعنی حدود دوسوم از مردم معتقدند حالا که آمریکا از برجام خارج شده، حتی اگر اروپایی‌ها و دیگران بخواهند برجام را حفظ کنند، ما باید از آن خارج شویم.

حتما دوست دارید از این مردم بپرسید: اگر از برجام خارج شویم، با هزینه‌های اقتصادی سنگین آن - مثل تحریم بیشتر - چه کنیم؟ به اطلاعاتان می‌رسانم که این سؤال را در نظرسنجی اکتبر ۲۰۱۹ (پاییز ۹۸) به این شکل پرسیده‌اند: «همان‌طور که ممکن است بدانید، در واکنش به خروج آمریکا از توافقنامه برجام و اعمال مجدد تحریم‌ها، دولت ما از برخی محدودیت‌هایی که در مورد برجام پذیرفته بود، تجاوز کرده و تهدید نموده که از این توافق خارج خواهد شد، مگر این‌که سایر کشورهای گروه ۵+۱ اقدامات بیشتری انجام دهند تا ایران از مزایای این توافق بهره‌مند شود. سایر کشورهای گروه ۵+۱ پاسخ داده‌اند که اقدامات اخیر ایران، گام برداشتن در جهت خواسته‌های ایران را مشکل‌تر کرده است. با توجه به این نکته، شما تا چه اندازه موافق یا مخالف تصمیم اخیر دولت ما هستید؟». جواب می‌توانسته یکی از ۶ گزینه «کاملا موافقم»، «تا حدی موافقم»، «تا حدی مخالفم»، «کاملا مخالفم»، «بستگی دارد»، و «نظری ندارم» باشد.

خب؛ فکر می‌کنید نظر مردم چه بوده است؟ ۴۱,۴ درصد «کاملا موافق» کم کردن تعهداتمان در برجام بوده‌اند، هرچند گام برداشتن کشورهای دیگر را در جهت خواسته‌های ایران، دشوارتر کند. ۳۲,۹ درصد «تا حدی موافق» بوده‌اند؛ ۱۲,۸ درصد «تا حدی مخالف» بوده‌اند؛ ۶,۸ درصد «کاملا مخالف» کم شدن تعهدات ما در برجام بوده‌اند؛ ۱,۸ درصد گفته‌اند «بستگی دارد»؛ و ۴,۳ درصد هم گفته‌اند «نظری ندارم». بنابراین، بیش از ۷۴ درصد نظرشان این

است که ما لازم بود پس از خروج آمریکا از برجام، تعهدات برجامی خود را کاهش دهیم حتی اگر این کار فشار اقتصادی را بر ما بیش تر کند.

این نگاه عزت طلبانه مردم که کاملاً در راستای سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی است - و همین است یکی از دلایل مقبولیت نسبی نظام در دل مردم - از سؤالات دیگر هم قابل استنباط است. مثلاً در نظرسنجی ژانویه ۲۰۱۸ (زمستان ۹۶) پرسیده‌اند: «به نظر شما، اگر ترامپ تهدید کند که تحریم‌های برداشته شده تحت توافق برجام را مجدداً اعمال می‌کند مگر این که ایران مدت‌زمان محدودیت‌های هسته‌ای طبق برجام را افزایش بدهد، پاسخ ایران در برابر این اقدام، چه باید باشد؟». گزینه‌های پاسخ برای این سؤال و درصد کسانی که آن را برگزیده‌اند، از این قرار است:

- ۱،۴ درصد گفته‌اند: ایران باید تقاضای ترامپ را بپذیرد.

- ۲۷،۲ درصد گفته‌اند: ایران باید قبول کند که درباره برجام مجدداً مذاکره کند ولی افزایش زمان محدودیت‌های هسته‌ای را تنها در صورتی بپذیرد که آمریکا قبول کند تحریم‌های بیش‌تری را از روی ایران بردارد.

- ۶۴،۴ درصد گفته‌اند: ایران نباید تحت هیچ شرایطی زمان محدودیت‌های هسته‌ای را که طبق برجام پذیرفته است، افزایش دهد.

- ۷ درصد هم گفته‌اند: نظری ندارم.

یعنی باز نزدیک به دوسوم مردم معتقدند که ایران نباید به هیچ گفتگوی جدیدی در مقوله برجام وارد شود حتی اگر تحریم‌های هسته‌ای دوباره بازگردند.

ماجرای وقتی به مسئله موشک‌های ما می‌رسد، از این هم جالب‌تر می‌شود. پرسیده‌اند: «به نظر شما، اگر ترامپ تهدید کند تحریم‌های برداشته شده تحت توافق برجام را مجدداً اعمال می‌کند مگر این که ایران قبول کند برنامه توسعه موشک‌های پیشرفته را متوقف سازد، پاسخ ایران در برابر این اقدام چه باید باشد؟». این هم گزینه‌ها و درصد پاسخ‌دهندگان به هر کدام از آنها:

- ۱،۹ درصد گفته‌اند: ایران باید تقاضای ترامپ را بپذیرد.

- ۲۴ درصد گفته‌اند: ایران تنها در صورتی برنامه توسعه موشک‌های پیشرفته را متوقف کند که آمریکا قبول کند تحریم‌های بیش‌تری را از روی ایران بردارد.

– ۷۰،۱ درصد گفته‌اند: *ایران* نباید توقف برنامه‌های توسعه موشک‌های پیشرفته را قبول کند.

– ۴،۱ درصد هم گفته‌اند: نظری ندارم.

یعنی ساده بگوییم: ختم کلام؛ بیش از **۷۲ درصد مردم، مخالف ورود به مذاکرات برجام**

موشکی هستند.

در همین راستا، وقتی سؤال می‌شود «از نظر شما، توسعه برنامه‌های موشکی چقدر برای کشورمان اهمیت دارد؟»، **۷۳،۸ درصد** می‌گویند «خیلی اهمیت دارد»؛ **۲۱،۱ درصد** می‌گویند «نسبتاً اهمیت دارد»؛ **۱،۷ درصد** می‌گویند «اهمیت زیادی ندارد»؛ **۲،۳ درصد** می‌گویند «اصلاً مهم نیست»؛ و **۱،۲ درصد** هم می‌گویند «نظری ندارم». یعنی بیش از **۹۵ درصد مردم با سیاست راهبردی نظام در زمینه برنامه موشکی همراه و همدل هستند.**

باز می‌پرسید این اهمیت برایشان تا کجاست؟ جواب را می‌توانید در این پرسش از نظرسنجی ژانویه ۲۰۱۸ (زمستان ۹۶) پیدا کنید. پرسیده‌اند: «همان‌طور که می‌دانید، شورای امنیت سازمان ملل متحد از *ایران* خواسته است موشک‌های با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای را توسعه ندهد. در سال‌های گذشته، سپاه موشک‌های متعددی را آزمایش کرده است. آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی توقف آزمایش‌های موشکی را خواستارند و به این سبب *ایران* را تهدید به اعمال تحریم‌های جدید می‌کنند. با این حال، *ایران* تأکید می‌کند که هیچ‌یک از موشک‌هایش قادر به حمل کلاهک هسته‌ای نیستند و از توقف توسعه و آزمایش موشک‌های خود امتناع ورزیده است. با این حساب، *ایران* باید کدام‌یک از مواضع زیر را اتخاذ کند؟». این هم گزینه‌ها و درصد پاسخ مردم به هریک از آنها:

– **۵۶،۷ درصد** گفته‌اند: *ایران* باید آزمایش موشک‌های بالستیک را ادامه دهد و اصرار ورزد که این موضوع قابل مذاکره نیست.

– **۲۸،۵ درصد** گفته‌اند: *ایران* باید آزمایش موشک‌های بالستیک را ادامه دهد و در مذاکرات، پیشنهادی را ارائه دهد که اطمینان حاصل شود موشک‌ها برای حمل کلاهک هسته‌ای تولید نشده‌اند.

– **۱۰،۶ درصد** گفته‌اند: *ایران* باید آزمایش موشک‌های بالستیک را متوقف کند تا اطمینان حاصل شود موشک‌ها برای حمل کلاهک هسته‌ای تولید نشده‌اند.

- ۴,۲ درصد هم گفته‌اند: نظری ندارم.

یعنی بیش از ۸۷ درصد مردم معتقدند آزمایش‌های موشکی پیشرفته را به هیچ وجه نباید کنار گذاشت حتی اگر اروپا و آمریکا تحریم‌های بیش‌تری وضع کنند. از این جماعت بیش از ۵۷ درصد اصلاً ورود به هیچ مذاکره‌ای را نیز در این زمینه قبول ندارند هرچند حدود ۲۸ درصد می‌گویند چنانچه آزمایش‌ها را ادامه بدهیم، ورود به مذاکراتی که بتواند دیگران را قانع کند که ما به دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم، مانعی ندارد.

خب، برای این که بیش‌تر روشن شود مردم/ایران تا چه اندازه با سیاست‌های راهبردی نظامشان همدل هستند، اجازه دهید به چند سؤال این نظرسنجی‌ها در خصوص سیاست‌های منطقه‌ای ایران در عراق و سوریه و یمن و عربستان نیز نگاهی بیندازیم. من دیگر نیازی نمی‌بینم این نکته را یادآوری کنم که این سیاست‌ها، همواره یکی از مهم‌ترین موضوعاتی بوده که کشورهای غربی - و سیاستمدارانی که در داخل، همیشه به سوی آنها غش می‌کنند - به خاطر این سیاست‌ها، کشورمان را مورد هجوم قرار داده و برپایه آن کوشیده‌اند تا تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی خود به مردم ایران را مشروعیت ببخشند.

در نظرسنجی دسامبر ۲۰۱۸ (دی‌ماه ۱۳۹۷) از مردم پرسیده‌اند: «به نظر شما، آیا/ایران باید حمایت خود را از گروه‌هایی که با گروه‌های تروریستی مانند داعش مبارزه می‌کنند، افزایش دهد یا آن را در سطح فعلی حفظ کند؟». پاسخ مردم از این قرار است:

- ۵۷ درصد گفته‌اند ایران باید حمایت خود را از گروه‌هایی که با داعش مقابله می‌کنند (مثل حزب‌الله لبنان و حشدالشعبی عراق) افزایش دهد.

- ۹,۱ درصد گفته‌اند ایران باید حمایت خود را از این گروه‌ها کاهش دهد.

- ۲۹ درصد گفته‌اند ایران باید حمایت خود را از این گروه‌ها در همین سطح فعلی حفظ کند.

- ۱,۸ درصد گفته‌اند بستگی دارد.

- ۲,۵ درصد نیز گفته‌اند نظری ندارم.

یعنی بیش از ۸۸ درصد مردم از سیاست‌های نظام در این زمینه حمایت می‌کنند و تازه، یک اکثریت ۵۷ درصدی، حتی خواهان نقش پررنگ‌تر ایران در حمایت از گروه‌هایی هستند که در سوریه و لبنان و عراق با داعش مبارزه می‌کنند.

در خصوص سوریه، در نظر سنجی ژانویه ۲۰۱۸ (زمستان ۱۳۹۶) چنین پرسشی مطرح شده است: «اکنون که ایران و روسیه پیروزی بر داعش در سوریه را اعلام کرده‌اند، به نظر شما، ایران باید کمک‌های نظامی به دولت بشار اسد را قطع کند؟ کمک‌هایش را کاهش دهد؟ یا به این کمک‌ها تا زمانی که دولت بشار اسد کنترل کامل تمام مناطق سوریه را بدست می‌آورد، ادامه دهد؟». در جواب این سؤال:

– ۱۴،۸ درصد گفته‌اند حالا که دیگر داعش شکست خورده، ایران باید کمک‌های نظامی خود را به دولت بشار اسد، قطع کند.

– ۳۰ درصد گفته‌اند با شکست داعش، کمک نظامی ایران به دولت بشار اسد نباید قطع شود ولی باید کاهش پیدا کند.

– ۴۸،۵ درصد نیز گفته‌اند ایران باید به این کمک‌ها، تا زمانی که دولت بشار اسد کنترل کامل تمام مناطق سوریه را به دست آورد، ادامه دهد.

– ۶،۷ درصد نیز گفته‌اند نمی‌دانم.

یعنی بیش از ۸۱ درصد، از حضور نظامی ایران در سوریه حمایت می‌کنند.

سپس در نظر سنجی دسامبر ۲۰۱۸ (دی ماه ۱۳۹۷) این طور پرسیده‌اند: «بعضی ها می‌گویند، این گونه که پیش می‌رود، نباید اجازه داد بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه باقی بماند، زیرا او یک رهبر فاقد صلاحیت است که فشار و زور بیش از حد علیه غیرنظامیان سوریه وارد کرده و موجب شده که داعش کنترل منطقه را در دست بگیرد. عده‌ای دیگر می‌گویند بشار اسد آنچه را که برای حفظ و یکپارچگی سوریه لازم بوده، انجام داده است و این که آیا وی همچنان رئیس‌جمهور سوریه باقی بماند، باید توسط خود مردم سوریه تصمیم‌گیری شود. کدام دیدگاه به دیدگاه شما نزدیک‌تر است؟». در جواب این پرسش:

– ۸،۹ درصد گفته‌اند نباید اجازه داد که بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه باقی بماند. (همان دیدگاه کشورهای غربی که برخی از سیاستمداران مشهور به اصلاح طلب نیز در داخل، بارها و بارها آنرا ابراز کرده‌اند).

– ۸۳،۶ درصد گفته‌اند مردم سوریه باید تصمیم بگیرند که آیا بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه باقی بماند یا نه. (همان دیدگاه رسمی نظام جمهوری اسلامی)

- ۷،۵ درصد هم گفته‌اند نظری ندارم.

یعنی با وجود همه تبلیغاتی که در داخل و خارج می‌شود، باز هم بیش از ۸۷ درصد مردم با موضع نظام در این زمینه همراه و همدل هستند.

درخصوص یمن، در نظرسنجی اکتبر ۲۰۱۹ (مهر ۱۳۹۸) چنین پرسشی مطرح شده است: «همان‌طور که ممکن است بدانید، اخیراً دو پالایشگاه بزرگ عربستان سعودی با حمله‌ای که از هواپیماهای بدون سرنشین و احتمالاً موشک صورت گرفته، تا حدی نابود شدند. نیروهای حوثی در یمن اعلام کرده‌اند که حمله را انجام داده‌اند اما در سطح بین‌الملل در مورد درستی این عمل - و این که آیا نیروهای حوثی به‌تنهایی این اقدام را انجام داده‌اند یا نه - اختلاف وجود دارد. برخی می‌گویند که این حمله به‌دلیل حملات هوایی مکرر عربستان سعودی به یمن، کار درستی بوده است. برخی می‌گویند این توجیه صحیح نیست چراکه آسیب رساندن به پالایشگاه‌های نفتی عربستان سعودی می‌تواند منجر به تشدید درگیری‌ها و گسترده‌تری جنگ در منطقه شود. نظر شما پیرامون حمله به پالایشگاه‌های نفتی عربستان سعودی چیست؟». سپس ۵ گزینه درمقابل پرسش شوندگان قرار داده که درصد گرایش به هر یک از گزینه‌ها از این قرار است:

- ۴۲،۶ درصد گفته‌اند حمله به پالایشگاه‌های عربستان کاری بوده کاملاً درست و عادلانه.

- ۳۱،۲ درصد گفته‌اند این حملات تا حدودی درست و عادلانه بوده است.

- ۹،۳ درصد گفته‌اند این حملات تا حدودی نادرست و ناعادلانه بوده است.

- ۱۲،۱ درصد گفته‌اند این حملات کاملاً نادرست و ناعادلانه بوده است.

- ۴،۹ درصد هم گفته‌اند نظری ندارم.

در همین نظرسنجی اکتبر ۲۰۱۹ (مهر ۱۳۹۸) این سؤال نیز مطرح شده است: «به‌طور کلی، آیا فکر می‌کنید فعالیت‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در خاورمیانه سبب شده است که ایران امنیت بیش‌تر یا کم‌تری داشته باشد؟ زیاد یا کم؟».

- ۵۲،۶ درصد گفته‌اند فعالیت‌های سپاه در منطقه امنیت ایران را بسیار بیش‌تر کرده است.

- ۲۸،۸ درصد گفته‌اند این فعالیت‌ها امنیت ایران را نسبتاً بیش‌تر کرده است.

- ۷،۹ درصد گفته‌اند این فعالیت‌ها تا حدی باعث ناامنی ایران شده است.

- ۳،۸ درصد گفته‌اند این فعالیت‌ها باعث ناامنی بسیار زیاد/ایران شده است.

- ۶،۲ درصد گفته‌اند بستگی دارد.

- ۰،۸ درصد هم گفته‌اند نظری ندارم.

یعنی باز بیش از **۸۹ درصد مردم، از فعالیت‌های برون‌مرزی سپاه حمایت کرده‌اند.**

اجازه دهید دامنه این بحث را، که کمی هم بیش از حد طولانی شد، کم‌کم برجینیم. من باز هم لازم است بر این نکته تأکید کنم که بنا ندارم برای بحث مشروعیت نظام، صرفاً به نظرسنجی‌ها تکیه کنم. قبلاً این نکته را با دلایل متعدد منطقی و فلسفی ثابت کرده‌ام که پایه‌های اصلی بحث مشروعیت، در درون جهان‌بینی و ایدئولوژی هرکس قرار دارد؛ اما اگر کسی - مانند برخی متفکران غربی - برای نظرسنجی‌ها هم در این زمینه اهمیت خاصی قائل است، مانعی ندارد، این‌هم گزارش‌هایی بود از معتبرترین نظرسنجی‌هایی که - نه توسط طرفداران جمهوری اسلامی بلکه توسط مخالفان نظام، و مؤسسات معتبر علمی در آمریکا و کانادا - صورت گرفته است. طبیعتاً که نمونه‌گیری این‌گونه مؤسسات، نمونه‌گیری ملی است نه نمونه‌گیری محدود منطقه‌ای یا نمونه‌گیری سایت‌های اینترنتی؛ که قبلاً گفتیم، بهتر است نظرسنجی‌های آنها را نظربازی بخوانیم نه نظرسنجی.^{۲۸} **وقتی بحث نظرسنجی علمی در میان است، عوام‌فریبانه‌ترین کار - و شاید خودفریبانه‌ترین کار - این است که کسی به‌جای متوسل شدن به متدلوژی‌های علمی در زمینه نظرسنجی‌های گسترده، دیدگاه اطرافیان خود یا کسانی که چند دقیقه‌ای در تاکسی یا مترو با آنها مواجه می‌شود را، معیار سنجش دیدگاه عمومی مردم قرار دهد.**

^{۲۸} مؤسسه ایران‌پل (IranPoll) و مرکز مطالعات دانشگاه مرینند (CISSM) در سایت‌ها و گزارش‌های خود، به تفصیل روش‌های نظرسنجی و متدلوژی علمی خود را در تحلیل داده‌ها، توضیح داده‌اند. طبیعتاً که نتایج کار آنها ممکن است مورد قبول برخی افراد نباشد و بتوان کسانی را پیدا کرد که انتقاداتی را به نتایج این نظرسنجی‌ها - مثلاً با توجه به شرایط فرهنگی و سیاسی مردم ایران - وارد بدانند. طبیعتاً متخصصان این دو نهاد علمی نیز به تمام این انتقادات پاسخ‌هایی داده‌اند که پرداختن به این‌گونه گفتگوها تماماً خارج از دایره گفتار ماست. آنچه مسلم است، این نظرسنجی‌ها، معتبرترین نظرسنجی‌هاییست که در این زمینه وجود دارد. پس در بحث مقبولیت نظام، یا باید به همین نظرسنجی‌ها اعتماد کنیم و یا باید به کلی بی‌خیال بحث نظرسنجی در این زمینه شویم. من شخصاً با هر دو رهیافت، مشکلی ندارم.

بحثمان در اطراف نظرسنجی‌های اخیر را با مباحث اقتصادی آغاز کردیم. اجازه دهید در انتها نیز به چند سؤال دیگر از این نظرسنجی‌ها اشاره کنم که باز درباره موضوعات اقتصادی است. کیست که نداند شرایط دشوار اقتصادی، امروز چه فشاری را بر همه مردم ایران وارد می‌کند؟ و کیست که نداند، همه تلاش دشمنان عزت این ملت، متمرکز بر همین فشارهای اقتصادی است. زیاد اهل قسم خوردن نیستیم اما **حاضریم قسم جلاله بخورم که نه فقط قاتل حاج قاسم عزیز ما، دونالد ترامپ کشیف، که حتی جو بایدن ریاکار هم، اگر احساس کنند با فشار اقتصادی می‌توانند ما را به زانو درآورند، حتی برای یک لحظه، در انجام این کار تردید به خود راه نخواهند داد.** سیاستمداران ما، روزها و هفته‌های متمادی، با سران کشورهای غربی گفتگو کردند تا به پشتوانه مقدس‌ترین نهاد دنیای مدرن - یعنی شورای امنیت سازمان ملل متحد - به یک توافق برسند. ما به خاطر باوری که به خدا و روز قیامت داریم، بر همه عهد و پیمانی که بستیم، پایدار ماندیم. اما آنها چه کردند؟ از همان روزی که این توافق امضا شد - همان ایامی که *اوباما* پسر به زعم بعضی‌ها، مؤدب و باهوش حسین کنیایی (!!!) بر سر کار بود - کاری کردند که فشار اقتصادی از روی دوش مردم ایران برداشته نشود. یا **به قول خودشان، کاری کردند که ساختار تحریم‌ها بر علیه ایران حفظ شود.** تا جایی که رئیس وقت بانک مرکزی ما، به صراحت گفت که عایدی ایران از برجام تقریباً هیچ بوده است. بعد از آن هم چیز زیادی عائد ما نشد تا آن که آمریکایی‌ها رسماً نقض پیمان کردند و اروپایی‌ها در قبال این عهدشکنی صریح، حتی حاضر نشدند آمریکا را محکوم کنند. من که می‌گویم محکوم کردن عهدشکن پیشکش، آنها حتی به تعهدات خودشان هم عمل نکردند. این سخن من نیست؛ اعتراف وزیر خارجه فوق‌العاده خوشبین ماست. هنوز هم اروپایی‌ها، حتی یک چندصدم تعهدات رسمی خود را انجام نداده‌اند. **آیا کسی تردید دارد که اروپایی‌ها، اگر احساس کنند با فشار اقتصادی می‌توانند ما را وادار به عقب‌نشینی از آرمان‌ها و اهدافمان کنند، بدون کوچک‌ترین تردیدی، این کار را خواهند کرد؟**

بنام زکات ملت را که وقتی در نظرسنجی اکتبر ۲۰۱۹ (پاییز ۹۸) از آنها درباره همین موضوع سؤال می‌کنند، چه جواب واقع‌بینانه‌ای می‌دهند. پرسیده‌اند: «همان‌طور که می‌دانید، کشورهای اروپایی اعلام کرده‌اند: از شرکت‌هایی که مشغول برخی تجارت‌ها با ایران هستند،

درمقابل تحریم‌های ایالات متحده، محافظت خواهند کرد. نظر شما در مورد این تلاش‌ها چیست؟». این هم پاسخ ملت ایران:

- ۶،۸ درصد گفته‌اند: این اقدام کشورهای اروپایی تحول مهمی است.
- ۱۶،۸ درصد گفته‌اند: این اقدام کشورهای اروپایی، گامی کوچک است در جهتی درست.
- ۲۴،۸ درصد گفته‌اند: این اقدام کشورهای اروپایی اقدامیست بسیار کم و بسیار دیر.
- ۴۵،۵ درصد گفته‌اند: اروپایی‌ها هیچ اقدامی نمی‌کنند.
- ۶،۱ درصد هم گفته‌اند: نظری ندارم.

یعنی بیش از **۹۰ درصد مردم ما امیدی به بیگانه ندارند** و می‌دانند که

گمان نیکی از بیگانه دونی است
نظر بر سفره دشمن زبونی است
گمان یاری از دشمن تباه است
ترا تاریخ گلگونت گواه است
اگر سنگی ز پیش راه برداشت
سر و رو خستن ما را به سر داشت
وگر آن سنگ در خونت نیالود
یقین دان گوهری بودست و بر بود

حالا چرا برخی سیاستمداران ما هنوز چشم به بیگانه دوخته‌اند و فکر می‌کنند اروپا بهتر از آمریکا است، یا دموکرات‌های آمریکا بهترند از جمهوریخواهان‌شان، یا بایدن بهتر است از ترامپ، خدا می‌داند!

من به این دسته از سیاستمداران، صمیمانه توصیه می‌کنم که به این دو سؤال آخری که از نظرسنجی‌ها نقل می‌کنم، کمی بیش‌تر فکر کنند.

سؤال اول، سؤالیست که در نظرسنجی آخر - یعنی اکتبر ۲۰۱۹ (مهر ۱۳۹۸) - مطرح شده است. پرسیده‌اند: «در اینجا عبارتی درباره وضعیت اقتصادی ایران می‌آوریم؛ لطفا بگویید که چقدر با آن موافق یا مخالفید: با این‌که جای تأسف دارد که برخی از قدرت‌های خارجی، مشارکت ایران در اقتصاد جهانی را مسدود می‌کنند، ما می‌توانیم از شرایط فعلی برای ایجاد

صنایع داخلی، به منظور رفع نیازهای خود استفاده کنیم. این امر باعث کاهش بیکاری و سازگاری بیش تر جامعه ما می شود». مردم در قبال این جمله پنج گزینه داشته اند: «کاملاً موافقم»، «نسبتاً موافقم»، «نسبتاً مخالفم»، «کاملاً مخالفم»، و «نظری ندارم».

در پاسخ، ۳۵ درصد گفته اند «کاملاً موافقم»؛ ۴۶،۱ درصد گفته اند «نسبتاً موافقم»؛ ۹،۳ درصد گفته اند «نسبتاً مخالفم»؛ ۷،۹ درصد گفته اند «کاملاً مخالفم»؛ و ۱،۸ درصد نیز گفته اند «نظری ندارم».

یعنی ۸۲ درصد مردم ایران بر این باورند که اگرچه تحریم ها و فشارهای اقتصادی، برای کشورشان یک تهدید دشوار است، اما یقیناً می توان این تهدید را به فرصت تبدیل کرد.

سؤال دوم، سؤالیست که در هر سه نظرسنجی ها آمده است و به گمانم سؤال بسیار مهمی هم هست. پرسیده اند: «فرض کنید که کشور ما می خواهد یکی از سیاست های زیر را وضع کند. از نظر شما، کدام یک برای ایران بهتر خواهد بود؟ این که به دنبال رسیدن به خودکفایی باشد؟ یا این که به دنبال رسیدن به افزایش تجارت با کشورهای خارجی باشد؟». این هم پاسخ مردم در هر سه نظرسنجی:

ایران باید به دنبال	خودکفایی باشد	افزایش تجارت با کشورهای خارجی باشد	نظری ندارم
ژانویه ۲۰۱۸ (زمستان ۹۶)	۶۷،۳٪	۲۹،۴٪	۳،۳٪
دسامبر ۲۰۱۸ (دی ۹۷)	۶۹	۲۷،۹	۳،۱
اکتبر ۲۰۱۹ (مهر ۹۸)	۶۹،۳	۲۸	۲،۷

چرا گفتم این سؤال به نظرم بسیار مهم است؟ برای آن که این سؤال در شرایطی پرسیده شده که مردم به خاطر تحریم ها (یعنی نبود تجارت خارجی) تحت شدیدترین فشارها هستند. پس قاعدتاً برای رفع این فشارها هم که شده، باید تمایل به گزینه دوم - یعنی، تجارت خارجی - داشته باشند. به علاوه، از داخل هم - باز از جانب برخی سیاستمداران مبتلا به «غش یک طرفه» که متأسفانه خود را اصلاح طلب هم می خوانند - مرتباً تحت فشار قرار دارند که اگر می خواهید تحریم ها رفع و مشکلات اقتصادی برطرف شوند، تنها راهش اینست که از آرمان های خود کوتاه بیاید. وقتی پای صحبت این قشر از نویسندگان و نظریه پردازان می نشینی، می بینی برای رفع مشکلات کشور هیچ نسخه ای ندارند به جز این که به مردم بگویند اگر دیکته کشورهای غربی را در زمینه های اقتصادی دنبال نکنید، اگر در دل اقتصاد جهانی هضم نشوید، اگر معاهداتی همچون *CFT FATF* و *Palermo* را دقیقاً مطابق دیکته کشورهای غربی، مو

به مو اجرا نکنید، از گرسنگی خواهید مرد. گاهی حتی پا را از این نیز فراتر گذاشته و صراحتاً می‌گویند اصلاً مفاهیمی همچون استقلال و خودکفایی دیگر قدیمی شده و کسب قدرت اقتصادی صرفاً در گرو هضم شدن در دل مناسبات اقتصادی جهان عرب است. اما با وجود تمام این فشارهای خارجی و تبلیغات داخلی، می‌بینید که نزدیک به ۷۰ درصد مردم ایران، در درجه اول، خواهان خودکفایی هستند.

این یعنی، ما ملتی داریم که عزت و کرامت، برایش مهم‌تر از هر چیز دیگر است. ملتی داریم که حاضر نیست استقلال و غرور ملی خودش را زیر فشار بیگانه بفروشد. ملتی داریم که باور دارد می‌تواند از دام تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی دشمنانش، سربلند بیرون بیاید. از همه مهم‌تر، ملتی داریم که به قول عزیز دلشان، حاج قاسم سلیمانی، ملت امام حسین - علیه السلام - است. ملت امام حسین، به خدا و قرآن باور دارد و می‌داند که اگر در راه خدا مقاومت کند، هراتفاقی هم که بیفتد، پیروز است. ملتی که به خدا و قرآن باور دارد، می‌داند که عزت دست خداست؛ می‌داند که قدرت از آن خداست؛ و می‌داند که رزق و روزی نیز در دست خداست. پس اگر راه خدا را دنبال کند، و اگر به دستورات خدا عمل کند، هیچ کس - نه آمریکا، نه اروپا، و نه هیچ مخلوق ذلیل دیگری - نمی‌تواند او را به‌زانو درآورد. از میان مسلمانان، تنها کسانی این باور را ندارند، که به فرموده قرآن، از زمره منافقان^{۲۹} این امت مرحومه هستند: «ولله خزانة السموات والارض ولكن المنافقين لا يفقهون/ و از آن خداست گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین ولیکن منافقان فهم عمیقی به کار نمی‌برند^{۳۰}».

یاد عزیز دلمان، حاج قاسم سلیمانی افتادم... دیگر اجازه دهید کلامم را به پایان ببرم و فقط به یک شبهه جواب دهم. ممکن است کسی پرسد: آیا بعد از اکتبر ۲۰۱۹ (مهر ۹۸) هیچ نظر سنجی جدیدی انجام نشده است؟

^{۲۹} کلام شاید شکل شعارگونه به خود گرفته باشد، اما آنچه می‌گویم باور قلبی من است. مفتخرم که این احساس قلبی، تا جایی که من می‌فهمم، متکی به استدلالات مفصل منطقی و فلسفی است. این استدلالات را سال‌ها پیش در کتاب «یستاده در باد» گفته‌ام. من هنوز بر این باورم که درک عمیق‌تر از آنچه که خداوند درباره جریان اجتماعی نفاق بیان کرده، و ما در آن کتاب کوشیده‌ایم تا به گوشه‌هایی از آن پردازیم، یکی از کلیدهای مشکل‌گشا، برای درک مسائل امروز جامعه ماست.

^{۳۰} سوره منافقون، آیه ۷

باید بگویم یقیناً نظرسنجی‌های جدیدی صورت گرفته است. چون دانشگاه مرینند و مؤسسه ایران پل، روال کارشان اینست که به‌طور مرتب، دست کم هر شش ماه یک‌بار، نظرسنجی جدیدی را انجام دهند. اما نکته عجیب اینجاست که تا زمان روشن کردن این چراغ، هنوز هیچ نظرسنجی جدیدی را منتشر نکرده‌اند.^{۳۱} چرا؟ من واقعا نمی‌دانم. اما این را می‌دانم که اندکی پس از انتشار آخرین نظرسنجی - یعنی در زمستان سال گذشته^{۳۲} - دو اتفاق بزرگ رخ داد که

^{۳۱} البته مؤسسه ایران پل - بدون مشارکت دانشگاه مرینند - در ماه‌های نوامبر و دسامبر ۲۰۱۹ (آبان و آذر ۱۳۹۸) نیز دو نظرسنجی دیگر انجام داده و منتشر کرده که سؤالات آنها خلاصه‌ای از سؤالات نظرسنجی مورد بحث ما - یعنی همین نظرسنجی اکتبر ۲۰۱۹ (مهر ۹۸) - است. نتایج آن‌هم تفاوت محسوس و معنی‌داری با نتایج نظرسنجی قبلی ندارد. (با این وجود، من متن کامل این نظرسنجی‌ها را نیز ضمیمه این مقاله می‌کنم.) فقط پاره‌ای سؤالات جدید در آنها آمده که همگی ناظرند به واکنش مردم ایران، به حملات نظامی احتمالی از جانب آمریکا. اتفاقاً پاسخی هم که در این زمینه به‌دست آورده بسیار جالب است. مثلاً پرسیده‌اند: فکر می‌کنید اگر ارتش ایالات متحده به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله نظامی کند، دولت ایران چه عکس‌العملی باید از خودش نشان دهد؟ این هم پاسخ مردم است به گزینه‌های این سؤال:

- ۵۸.۸ درصد گفته‌اند: ایران باید با حمله به ارتش آمریکا، مقابله به‌مثل کند.

- ۲۹.۵ درصد گفته‌اند: ایران نباید مقابله به‌مثل کند و فقط باید شکایت خود را به سازمان ملل عرضه کند.

- ۷.۹ درصد گفته‌اند: ایران، هم باید مقابله به‌مثل کند و هم، به سازمان ملل شکایت کند.

- ۱.۲ درصد گفته‌اند: بستگی دارد.

- ۲.۶ درصد گفته‌اند: نظری ندارم.

خوب توجه کردید؟ یعنی، ۶۸.۶ درصد معتقدند در صورت حمله نظامی آمریکا، باید مقابله به‌مثل کرد. جالب‌تر این‌که **کثرت قاطع مردم معتقدند که در صورت حمله نظامی آمریکا، حتی نباید معطل سازمان ملل شد؛ باید فوراً مقابله به‌مثل کرد.**

عین همین پرسش، در خصوص عربستان، اسرائیل، و کشورهای که برای حمله به ایران، پایگاه نظامی در اختیار آمریکا قرار داده باشند، هم انجام شده و پرسیده‌اند اگر این کشورها به ایران حمله نظامی کنند، یا آمریکا از پایگاه‌هایشان برای حمله به ایران استفاده کند، چگونه؟ در خصوص عربستان، ۷۴.۵ درصد خواهان مقابله به‌مثل شده‌اند. (۶۸.۸ درصد گفته‌اند حتی نزد سازمان ملل نباید رفت؛ باید فوراً حمله کرد) در خصوص اسرائیل هم ۷۷.۷ درصد گفته‌اند باید مقابله به‌مثل کرد (۷۴.۹ درصد نیز گفته‌اند باید حمله کرد و نباید نزد سازمان ملل رفت). در خصوص کشورهای منطقه که به آمریکا برای حمله به ایران پایگاه داده باشند نیز ۶۹.۴ درصد گفته‌اند باید به آن کشورها حمله تلافی‌جویانه انجام داد. البته، ۱۱.۴ درصد گفته‌اند که فقط باید به پایگاه‌های آمریکا در آن کشورها حمله کرد اما ۵۵.۶ درصد حتی چنین ملاحظه‌ای را روا ندانسته‌اند.

این که چرا درست در آستانه جنایت آمریکایی‌ها علیه سردار دل‌های ایرانیان، چنین سؤالاتی به نظرسنجی اضافه شده، پرسشی است که باید درباره آن خیلی تأمل کرد. اما نکته تأمل‌برانگیزتر اینست که پس از شهادت سردار ما، دیگر هیچ نظرسنجی جدیدی را به‌صورت عمومی منتشر نکرده‌اند!!!

^{۳۲} حتماً توجه دارید که همواره به‌طور طبیعی، میان زمانی که یک نظرسنجی انجام می‌شود، و زمان انتشار عمومی آن نظرسنجی، فاصله‌ای دست کم چند هفته‌ای وجود دارد. بنابراین نظرسنجی اکتبر ۲۰۱۹ قاعدتاً باید نزدیک زمستان سال گذشته منتشر شده باشد.

تمام جهان را دربرگرفت؛ دو اتفاقی که هنوز هم تمام دنیا با آن دست‌به‌گریبان است و هیچ‌کسی هم نیست که بتواند دورنمایی از پایان آن ارائه دهد.

اتفاق اول، قتل شهید عزیز ما، حاج قاسم سلیمانی، به‌دست بدترین و شقی‌ترین انسان‌های روی کره زمین بود؛ و در پی آن، اجتماع تاریخی بی‌نظیر و آخرالزمانی ملت مظلوم ما، و سپس آغاز انتقام سخت ما؛ که ب‌الله آن، به‌شکل موشکباران یکی از بزرگ‌ترین پایگاه‌های نظامی آمریکا در جهان، قرائت شد. حتماً می‌دانید که از جنگ جهانی دوم تا به امروز، هیچ کشوری نتوانسته - یا جرأت آن را نکرده - که چنین ضربه دردناکی را بر سر جنایتکاران آمریکایی وارد کند. فقط توییت‌های ترامپ قمارباز را قبل از حمله موشکی به پایگاه عین‌الاسد به‌یاد آورید که با چه کبکبه و دبدبه‌ای، ما را تهدید می‌کرد. بعد به‌یاد بیاورید ذلت حقارت‌بار او را پس از به‌قول خودشان، ضربه مغزی شدن ۱۱۰ نفر از نظامیان آمریکایی که باز به‌گفته خودشان ۳۰ درصد آنها به کلی از حیز انتفاع خارج شده‌اند.^{۳۳} امروز هم ببینید ترس و زبونی آنها را از ادامه بسم‌الله این انتقام سخت که گاه و بیگاه در کلماتشان جاری می‌شود؛ و

باش تا صبح دولتش بدمد

کاین هنوز از نتایج سحر است

اتفاق دوم اما، درست پشت‌بند اتفاق اول، رخ از پرده غیب بیرون کشید و آن شیوع وسیع‌ترین بیماری عصر ما بود؛ اتفاقی که قبل از هرچیز، نظم و پیشرفت پوشالی تمدن غرب - که با آن به عالم و آدم فخر می‌فروختند - را به سخره گرفت.

آیا تصمیم آمریکایی‌ها برای به‌قتل رساندن قهرمان ملی ما - که براساس نظرسنجی

اکتبر ۲۰۱۹ (مهر ۹۸) بیش از ۸۴ درصد محبوبیت در میان مردم ایران داشت - ربطی به نتایج آخرین نظرسنجی‌های منتشر شده دارد؟ من نمی‌دانم. منتشر نشدن نتایج نظرسنجی‌های جدید

چطور؟ آیا ربطی به این دو اتفاق دارد؟ باز هم نمی‌دانم؛ ولی هیچ بعید نیست که بعد از شهادت مظلومانه حاج قاسم ما، احساسات مردم ایران در قبال آمریکا و اروپا و برجام و غیره، چنان اوج

^{۳۳} «به کلی از حیز انتفاع خارج شدن یک نظامی» معادل است با «صد رحمت به مردن آن نظامی»!!

گرفته باشد که سیاستگذاران دانشگاه مرینند آمریکا، انتشار نتایج نظرسنجی‌های جدید را،
به‌مصلحت ندیده باشند.

در هر صورت، دلیل این عدم انتشار، هرچه باشد، روزگار ما آن‌قدر پر شده از اتفاقات
عجیب، که هیچ چیز زیاد عجیب به‌نظر نمی‌رسد. به‌قول حافظ:

سر فتنه دارد دگر روزگار
من و مستی و فتنه چشم یار
مغنی از آن پرده نقشی بیار
بین تا چه گفت از درون پرده‌دار
فریب جهان قصه‌ای روشن است
نگر تا چه زاید، شب آبستن است